

ضد بشر؛ دایره مذاهب

گزارش اختصاصی از نقض گسترده
قوانین حقوق بشر در ایران
توسط دایره مذاهب



تهیه و تنظیم:

انجمن دفاع از اقلیت‌های مذهبی و جنبش‌های معنوی

دایره مذاهب و ایلیا

این متن گزارشی نمونه و مستند است از سلسله گزارشات مربوط به نقض گسترده حقوق بشر در ارتباط با اقلیتهای مذهبی و جنبش های معنوی است که توسط دایره مذاهب (بخش امنیتی بررسی ادیان و فرق) صورت گرفته است. با توجه به دسترسی تهیه کنندگان به مستندات و مدارک رفتارهای غیراخلاقی و ضدبشری صورت گرفته در ارتباط با یکی از رهبران معنوی و جمعیت متبوع وی، برای آشنایی با عملکرد غیرقانونی و ضدبشری دایره مذاهب در جمهوری اسلامی ایران، به بررسی یک مورد خاص از این رفتارها می پردازیم. در شماره های بعدی این مجموعه نمونه های دیگری از نقض آشکار و شدید قوانین حقوق بشر و حتی قوانین مدنی و جاری را توسط دایره مذاهب ذکر خواهیم کرد.

مجموعه حاضر بررسی تطبیقی برخی از رفتارهای بخش امنیتی بررسی ادیان و فرق (دایره مذاهب) جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با معلم و رهبر جمعیت ال یاسین است که بزرگترین جنبش معنوی ایران و به تأکید دایره مذاهب یک « ابرفرقه » می باشد. در این متن از رهبر این جمعیت با همان اسمی که ایشان

به آن شناخته شده و در سایتهای مختلف خبری انعکاس یافته است، به نام ایلیا «میم» یاد می شود. همچنین کلمه اِبا (اداره بررسی ادیان و مذاهب) یا اصطلاح بخش امنیتی ادیان یا دایره مذاهب با معنای یکسانی بکار برده شده است. بدواً و برای آشنایی مختصر با جمعیت ال یاسین و رهبر آن، و به منظور ایجاد زمینه آشنایی با دایره مذاهب به قسمتی از نامه سرگشاده جمعیت ال یاسین که در زمان دستگیری و زندان ایلیا «میم» در داخل و خارج از کشور منتشر شد، اشاره می کنیم. لازم به ذکر است که پس از اولین دستگیری ایلیا «میم» بیش از سی کتاب در ارتباط با او، تألیف و صدها قطعه فیلم کوتاه و مستند در ارتباط با وی ساخته شد.

نامهٔ جمعی از اعضاء جمعیت ال یاسین به مسؤلان

جمهوری اسلامی ایران

(یک سال قبل از دستگیری ایلیا «میم»)

متن زیر، نامه‌ای است از هیئت تحریریه نشریه حرکت دهندگان (اولین نشریه تخصصی در زمینه دانش تفکر در ایران و از نشریات وابسته به جمعیت ال یاسین) که در نیمه دوم سال ۱۳۸۴ در اعتراض به توقیف این نشریه و جهت رسیدگی به حل مسئله مذکور، برای مرکز رسیدگی کننده مربوطه ارسال شده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام علیکم

حدوداً از دوازده سال پیش ما فعالیت رسمی خود را با هدف گسترش خداشناسی و خودشناسی با محوریت خداگرایی و تقویت ایمان و معنویت عمومی آغاز کردیم.

ما شاهد تحقیر روزافزون معنویات در میان جوانان و نسل‌های دیگر بودیم و از طرفی تلاش کم‌بازده و بی‌حاصل خود و همکاران‌مان را هم می‌دیدیم. به همین دلیل روش خود را در تبلیغ مفاهیم معنوی و مذهبی تغییر دادیم. بعد از مطالعه و تحقیقات وسیع و پردامنه در علوم روانشناسی مدرن، روانکاوی، زبان‌شناسی، ادبیات معنوی ملل و روش‌های برنامه‌ریزی ذهنی و کلامی و با بهره‌گیری از مدرسان و سخنرانان عموماً جوان، با دیدگاه‌های نو، تغییرات چشم‌گیری در نتایج کار ما بوجود آمد. ما با اقشار مختلف به زبان و روش خودشان حرف می‌زدیم قالب‌های گفتاری و نحوه بیان ما از واقعیت‌های مذهب و معنویت هماهنگ با آنان بود به گونه‌ای که آن‌ها حرف ما را به راحتی می‌فهمیدند و لمس می‌کردند و بنابراین با علاقه و اشتیاق جلسات ما را دنبال می‌کردند. با استفاده از رویکرد جدید بازدهی لااقل سه برابر شد.

----- ضد بشر؛ دایره مذاهب -----

ما در همان اوایل کار برای رسمی شدن هرچه بیشتر فعالیت خود، سعی کردیم مؤسساتی را (بنابر نیاز) تأسیس کنیم و بنابراین چندین مؤسسه در موضوعات نشر، نشریه، امور هنری و فرهنگی تأسیس کردیم... تا این که با فردی به نام ایلیا «میم» آشنا شدیم و از اینجا بود که روز به روز بر مسائل و مشکلات ما افزوده شد. ما شایعات ضد و نقیض متعددی درباره ایشان شنیده بودیم اما ارتباطات و مشاهدات و نشانه‌ها و تجارب بعدی ما از زوایای مختلف، بیانگر آن بود که ایشان یکی از بزرگان نادر و نایاب باطنی است و با عقاید مختلف، همه ما در این که او معلم بزرگ علوم باطنی و یکی از معدود بزرگان زمان است، علی‌رغم همه شایعات و خبرهای جعلی، اتفاق نظر پیدا کردیم. بنابراین زمینه‌ای را فراهم کردیم تا ایشان بتوانند مستقیماً با مردم در ارتباط باشند و در همین راستا جلساتی را با دعوت از ایشان برگزار نمودیم. آنچه را که همه هم‌قطاران و همفکران ما طی سال‌ها و با امکانات وسیع و فراوان

----- ضد بشر؛ دایره مذاهب -----

نتوانسته بودند انجام دهند ایشان به تنهایی و با صحبت‌های کوتاه با مردم و جوانان به انجام می‌رساندند.

نتیجه کار این شد که تا به امروز صدها هزار نفر از اقشار به شدت ضد معنویت، مجذوب واقعیت‌های دینی و معنوی شدند و کسانی که در عمرشان کتاب خدا را باز نکرده بودند و آن را به بی‌حرمتی نگاه می‌کردند اکنون ماهیانه لااقل یکی از سوره‌ها را برای خود می‌خوانند و تفسیر می‌کنند. استقبال و اشتیاق مردم بسیار چشم‌گیر و بلکه حیرت‌انگیز بود. بیشترین افرادی که جذب این دوره‌های سخنرانی شدند، افراد غیر مذهبی و یا کسانی بودند که گرفتار جریان‌های وارداتی (معنوی) بودند. با این حال بسیاری از دوستان مذهبی، روشنفکر، هنرمند و تحصیلکرده نیز به مخاطبان ثابت و دائمی جلسات درس استاد مبدل شدند.

بعضی از حاضران در جلسه، خود را از آمریکا و اروپا و کشورهای دیگر به درس‌های استاد می‌رساندند و از

ایرانیان ساکن خارج از کشور بودند. در کنار چنین نوآموزان بی تکبری، گاهی بعضی از مدعیان فرقه‌های عرفانی و دیگر مدعیان مذهبی هم دیده می‌شدند. بعد از مدتی هیچ یک از سالن‌های موجود در تهران گنجایش جلسات عمومی استاد ایلیا را نداشت و ما برای برگزاری یک جلسه مجبور بودیم که بنابر ظرفیت مکان‌ها به افراد اطلاع دهیم.

آشنایی با استاد ایلیا «میم» از طرفی دارای پیامدهای گرفتارکننده و آسیب‌زننده نیز بود. حضور ایشان در فعالیت‌های ما سبب شد که گاه و بی‌گاه از نهادها و نیروهای مختلف با ما برخورد کنند. این برخوردهای رو به افزایش که از زمان ریاست جمهوری آقای هاشمی شروع شد همیشه و بدون استثناء یک نتیجه داشت؛ محکوم نشدن ما. بارها و بارها ما را تهدید کردند و تأکید کردند که پیرامون شما تحقیق می‌کنیم و تحقیق کردند. به دلیل این برخوردهای متوقف‌کننده ما تصمیم گرفتیم که فعالیت خود

را با همه مراجع مسئول هماهنگ کنیم. تقریباً ما به همه گفتیم که داریم چه کار می‌کنیم.

بعد از چند سالی از شروع فعالیت، شایعات غرض‌ورزانه و گاهی بر پایه دوستی‌های جاهلانه شروع شد. شایعات دهان به دهان می‌چرخید و سپس کار به کتاب‌ها، روزنامه‌ها و حتی نشریات خارجی رسید. شایعاتی خودساخته که عموماً زائیده ذهن طراحان آن بود مواردی مانند: روح مسیح در ایران، سای‌بابای جدید، مستجاب‌الدعوه، جادوگر قرن بیست و یکم، کافر، ملحد، روح خدا، معجزه‌گر، مروج طریقت منهای شریعت، لیدر فرهنگی آمریکا در خاورمیانه، بنیادگرای مدرن، پسر خوانده...، مدعی مهدویت، مفسد فی الارض، گاندی خاورمیانه، دانای اسرار، شفاگر الهی و تحجرگرای مدرن و مروج خرافات از جمله القابی است که طی سال‌های گذشته به ایشان نسبت داده شده است.

هر نیرو و نهادی که به طور مستقل و موازی با مراکز دیگر به سراغ ما می‌آید از الف تا ی را برایش شرح می‌دادیم و بخش زیادی از نیروی ما صرف رفع سوء تفاهم‌ها و انعکاس‌های منفی شایعات بود. با بروز این شایعات کذب، گرفتاری‌های ما نیز شدیدتر شد. چند سال ما را برای یک مجوز منتظر گذاشتند و بعداً زیرلب گفتند چون شما منتسب به فلانی هستید به شما مجوز نمی‌دهند. نشریه هنر زندگی متعالی را داشتیم که بعد از سه شماره تعطیل کردند بعد نشریه حرکت‌دهندگان را راه انداختیم آنرا هم تعطیل کردند و زیرلب همان را گفتند. بسیاری از نشریات و مؤسسات دیگر را هم صرفاً به دلیل آنکه مسئولان و دست‌اندرکاران آن از دوستان و ارادتمندان استاد ایلیا بودند، به ناگهان و بدون هیچ توضیح و دلیل معقولی تعطیل کردند. نشریاتی مانند هنرهای زیستن، علوم باطنی و مؤسسات دیگر. هر کس که صاحب سلاحی بود تیری شلیک کرد و ضربه‌ای زد و خودی نشان داد. بسیاری

از این ضربه‌ها ناشی از غرض‌های شخصی بود، فلان مسئول و فلان وزیر از ما خواستند که بصورت خصوصی استاد را ببینند اما ایشان نپذیرفتند و این وسط ما به محل ضربه تبدیل شدیم. کتاب‌های دیگر ما را هم که ارتباطی با تعالیم استاد ایلیا نداشت توقیف کردند. بعد از مدت کوتاهی ده‌ها هزار نسخه از کتب مرتبط با استاد در بازار ظاهر شد. مطالب نشریه ما را نشریات دیگر برای دومین و دهمین بار چاپ می‌کردند و برای مطالب جدید پول می‌دادند اما ما حق نداشتیم و نداریم خودمان آنرا چاپ کنیم؛ چون منتسب به استاد ایلیا «میم» شده‌ایم. اگر ایشان و حرف‌های ایشان باطل است، اگر ایشان بد است چرا خوب‌تری به میدان نیامده و به جوانان ما کمک نکرده است تا ما هم گرد ایشان جمع شویم؟ ...

اگر آنطور که می‌گویند ایشان مروج تصوف است، اگر ادعای وحدانیت و مهدویت و ادعاهای مشابه را دارد پس چطور است که در سخنرانی‌های عمومی و درس‌های

خصوصی، ایشان صریحاً چنین القاب و ادعاهایی را باطل و مردود اعلام کرده‌اند، و درباره درس‌های خود نیز بارها تصریح داشته‌اند که اگر کسی نشان دهد که حتی یک کلمه از حرف‌های ایشان در تعارض با قرآن است ایشان برای همیشه سکوت خواهند کرد. طی این چند سال، چندین نفر هم خود را با عنوان استاد ایلیا «میم» معرفی کرده‌اند و به کارهای مختلفی پرداخته‌اند که عواقب فعالیت‌های آنها نیز مستقیم و غیرمستقیم متوجه فعالیت‌های ما شده است. حالا تکلیف ما چیست؟ این سؤالی است که ما از شما داریم و منتظر پاسخ شما می‌مانیم. والسلام.

تحریریه نشریه حرکت‌دهندگان

نامه سرگشادهٔ جمیت ال یاسین به رهبران ایران و جهان

(چهار ماه بعد از اولین دستگیری و زندان استاد ایلیا «میم»)

بسم الله الرحمن الرحيم

استاد فتاح معروف به ایلیا «میم» بعد از سالها تهدید و فشار توسط یکی از نهادهای مرموز امنیتی با عنوان اداره بررسی ادیان و مذاهب، معروف به دایره مذاهب (ابا) در تاریخ ۱۳۸۶/۳/۷ دستگیر و به یکی از سلولهای ویژهٔ زندان ۲۰۹ اوین منتقل شد. بعد از شروع تهاجم رسانه ای که فلش پیکان آن از طریق دایره مذاهب و با واسطه هایی، در یک روزنامهٔ افراطی ظاهر شد^۱ و بعد از اوج گرفتن این تهاجم روانی در زمستان سال ۱۳۸۵، بالاخره چند ماه بعد

^۱ اشاره به مطلب "تعالیم کدام حق" مندرج در روزنامه کیهان - خرداد ۱۳۸۳ (م)

و به گفته دایره مذاهب (ابا)، قرار بر این شد که استاد ایلیا «میم» در زمان مناسب و بدون اطلاع شاگردان و پیروان دستگیر شود. برخی از اتهامات گفته و ناگفته ایلیا، عبارت بودند از بدعت گذاری در دین، مسیحیت گرایی و تبلیغ مسیح، اشاعه پلورالیزم و تکثرگرایی معنوی، توطئه بر علیه نظام اسلامی، استحاله دینی از طریق تلاش برای پیوند دین اسلام، مسیحیت و یهود، گسترش لیبرالیزم معنوی و اسلام آمریکایی و برخی اتهامات متعارف که در این گونه موارد مطرح می شود، مانند: توهین به مقدسات، تبلیغ بر علیه نظام و اقدام بر علیه امنیت ملی.

اما در واقع جرم او یک چیز است: مخالفت با اسلام خشونت طلب، مخالفت با دینداری خشن و القاعده فرهنگی؛ اشاعه آزادی معنوی و معنویت آزاد (اما در چارچوب قرآن)؛ مخالفت با قرائت دینی منجمد و جمود آور؛ و تفسیر قرآن با دیدگاهی متفاوت. طی پنج ماه گذشته اخبار موثق زیادی از زندان دژخیمان فرهنگی که

----- ضد بشر؛ دایره مذاهب -----

مسئولیت آن بعهدهٔ دایره مذاهب (ابا) است به گوشمان رسیده است. ایلیا در همهٔ این ماهها تحت شدیدترین فشارها و شکنجه های روحی و روانی برای انکار گذشته، انکار حقایق و انکار کارهای بزرگی که طی پانزده سال گذشته توسط او و حرکت او به وجود آمده، قرار دارد. به توصیهٔ استاد پیروان او ماهها سکوت کردند و در خاموشی به تفکر و تأمل پرداختند تا بلکه مسئولین مربوطه، خود به القاعدهٔ فرهنگی و طالبان مذهبی ایران پاسخ دهند. اما ماهها گذشت و از واکنش مسئولین خبری نشد. این بی واکنشی به دلیل توجیهاات جعلی و تحریفات و سندسازی ها و مونتاژهایی بود که اداره ضد ادیان بر علیه استاد و پیروان او تهیه کرده بودند و بصورت خبرنامه ها و بولتن های ویژه به مسئولین ارائه می دادند. بنابراین از امروز ما خود تصمیم گرفتیم تا متناسب با شرایط روز، به میدان بیاییم.

بیش از چند ماه است که بزرگترین اندیشه های زندگی بخش و عصاره افکار و کلام بزرگان در مسلخ تفتیش گران عقیده و قصابان اندیشه و آزادی و معنویت است . و ما در پاسخ به همه این ظلم ها از امروز تلاش می کنیم تا حقایق را فریادوار برای همه جهانیان آشکار کنیم .

ایلیا «میم» از سن شانزده سالگی برآیند تحقیقات ، تفکرات و مشاهدات خود را در ارتباط با جنبه های باطن گرایی و علوم باطنی در قرآن و کلام خداوند و بنابراین تفسیر معناگرا و باطن محور از کلام خدا، در سطح محدودی از شاگردان عملاً آشکار نمود. این تعالیم عملی و نظری تا سالها بعد در همین سطح محدود جریان داشت تا اینکه در سن ۲۳ سالگی اولین دوره عمومی سخنرانی های استاد ایلیا «میم» در تهران آغاز شد و با استقبال فوق العاده و گسترده مردم و بویژه جوانان ، دانشجویان و اصحاب قلم و فرهنگ و فکر ، مواجه گردید . استقبال از سخنرانی های استاد به حدی بود که بعد از مدت کوتاهی هیچ یک از

سالنهای سخنرانی موجود در تهران گنجایش پذیرش همه حاضران را نداشت. به همین دلیل جلسات سخنرانی در زمانهای مختلف از طریق فیلم یا نوار صوتی تکرار می شد. طی سالهای بعد و به دلیل اعمال محدودیتهای همه جانبه و فشارهای مختلف دایره مذاهب (ابا)، جلسات سخنرانی کمتر برگزار می شد. هر چند روز حمله جدیدی از طرف القاعده فرهنگی و طالبان مذهبی که پیوسته خواستار کنترل کامل حوزه های دین و فرهنگ برای انواع استفاده های ابزاری می باشند، صورت می گرفت. تا اینکه در یکی از جلسات سخنرانی در استادیوم شهید شیروودی تهران، برای اولین بار تهاجم فیزیکی و آشکاری بر علیه استاد انجام شد که به دلیل موضع گیری و دفاع قدرتمند مردم، نقشه دستگیری استاد در این روز با شکست مواجه گردید. بعد از این اتفاق حجم تهاجم و موج ترور شخصیتی و اجتماعی استاد ایلیا «میم» شکل جدیدی به خود گرفت و با شدت بیشتری در خبرنگارهای خوشونت طلب و طالبانی

ظاهر شد . طبق خبر رسمی خبرگزاری فارس، چهار نهاد بزرگ امنیتی و فرهنگی مأمور برخورد با استاد ایلیا «میم»، طرفداران او و کلیه جریانهای معنوی شدند . ساخت برنامه های تلویزیونی و القاء پیام های انحرافی به مردم ، ساخت برنامه هایی نظیر میزگرد های فرهنگی و بررسی معنویت جدید ، انتشار اخبار دروغ در باره استاد در رسانه ها، نسبتهایی مانند مسیحای جدید ، حلقه بعدی اشو راجنیش و کریشنا مورتی ، پیامبر غیرمذهبیان و بی دینان، مبلغ معنویت منهای شریعت، عامل امریکا و استکبار جهانی و مبلغ مبارزه منفی ، جادوگر قرن بیست و یکم ، ماهاتما ایلیا ، گاندی ثانی، لوترکینگ، دست نشانده غرب، ملحد، مرتد، بدعت گذار ، فاسد ، لیدر فرهنگی آمریکا ، شیاد و کلاهبردار ، مبلغ تنوع گرایی و کثرت گرایی معنوی ، دین جدیدی به نام ایلیائیزم ، مردی که زنها و مردها و کودکان و پیران را افسون می کند و دینشان را

از آنها می گیرد؛ فاسد کننده اسلام و الفاظ تحریک کننده دیگر، واژه هایی بودند که ظاهراً از طرف منابع مستقل اما در واقع از یک نهاد برآیندی که نماینده چهار نهاد بزرگ فرهنگی و امنیتی به نام اختصاری دایره مذاهب (ابا) بود سرچشمه می گرفت. در همین زمان یکی از روزنامه های بسیار افراطی^۲ طی چند نوشته در حملات بسیار تنیدی (از طرف عوامل دایره مذاهب) به استاد ایلیا، سایر مسئولان قضایی و امنیتی را برای برخورد با استاد فراخوان کرد. در آخرین نوشته های این نشریه از تشکیل شعبه ای ویژه برای رسیدگی به این موضوع خبر داده شد و از مردم دعوت شد که برای هرگونه شکایت از استاد ایلیا «میم» به شعبه مربوطه مراجعه کنند اما بعد از گذشت ماهها، از مراجعه شاکیان واقعی به دادگاه خبری نبود بنابراین پرونده بدون شاکی و طرح شکایت بسته شد. در همین زمان قرار

^۲ اشاره به مقاله "معرفی یک فرقه فریبکار" مندرج در ستون نیمه پنهان روزنامه کیهان مورخه ۸۷/۹/۱۴ - (م)

شد جلسه سخنرانی استاد در استادیوم صدهزار نفری آزادی برگزار شود که با مخالفت قاطع نهادهای امنیتی مواجه گردید. برخورد با تعدادی از پیروان استاد و اخراج شاگردان استاد از ادارات دولتی و نیمه دولتی به تدریج آغاز شد. اکثر نشریاتی که توسط شاگردان نزدیک استاد و زیر نظر ایشان اداره می شدند یا توقیف شدند یا با مشکلات و محدودیتهای جدید روبرو شدند. نشریه هنر زندگی متعالی، نشریه حرکت دهندگان، نشریه هنرهای زیستن، و نشریه علوم باطنی دریک چشم به هم زدن تعطیل شدند. جرم نشریات این بود: تحریریه ها و نویسندگان این نشریات از شاگردان ایلیا هستند و نشریات زیر نظر او فعالیت می کنند. دیگر نشریاتی هم که در ارتباط با استاد فعالیت داشتند با محدودیت های جدید و فوق العاده ای مواجه شدند. نشریاتی مانند تفکر متعالی، اخبار کودکانه و علم موفقیت^۳ و سایر موسسات انتشاراتی،

^۳ حدود ۵ ماه پس از انتشار این نامه (یعنی در اسفند ماه ۱۳۸۶)، نشریه علم موفقیت نیز از طرف هیئت نظارت بر مطبوعات تعطیل شد. (م)

فرهنگی و هنری نیز با محدودیتهای غیرمعمول روبرو شدند که عدم فعالیت آنها عملاً اجتناب ناپذیر می شد. کتاب تعالیم حق که جمع آوری قسمتهایی از سخنرانی های استاد در سن ۲۳ سالگی (یازده سال پیش) بود به همراه کتابهای همسرشان (رویای راستین، رویای راهستین، باغبان الهی و ...) از اکثر کتابفروشی ها جمع آوری و توقیف شد. بعضی از فروشندگان از تهدیدات مأمورانی ناشناس برای فروش این کتابها سخن می گفتند و دیگر حاضر به فروش آن نبودند.

اکثر NGO هایی که توسط شاگردان استاد اداره می شدند، NGO هایی در زمینه امور فرهنگی، تفکری، هنری، تحقیقات، خیریه، محیط زیست و غیره نیز با موانع لاینحل یا توقیف روبرو شدند. این روش نیز کارگر نشد و مدتی بعد، احضار علنی برخی از نزدیکان استاد به دایره مذاهب (ابا) و تلاش برای اعتراف گرفتن بر علیه استاد شکل

موفقیت نیز از طرف هیئت نظارت بر مطبوعات تعطیل شد. (م)

----- ضد بشر؛ دایره مذاهب -----

شتابنده ای به خود گرفت . برخی از منازل بدون ارائه هیچ مدرک و حکم قضایی، تفتیش شد تا شاید مدرکی بر علیه استاد فراهم شود . همه آثاری که به نحوی با تعالیم استاد ارتباط داشتند یا توسط شاگردان ایشان تألیف شده بودند ، با جواب منفی دایره مذاهب (ابا) که اینک در جایگاه وزارت ارشاد عمل می کرد، روبرو شدند.

ظاهراً دایره مذاهب (ابا) بهترین راه حل برخورد با این حقیقت را در بکارگیری ناجوانمردانه ترین و غیرانسانی ترین روش های ترور شخصیتی و تخریب همه جانبه چهره فردی و اجتماعی ایلیا کشف می کند. دروغ ترین، ناجوانمردانه ترین و سیاه ترین حقه ها در جهت تخریب شخصیت استاد و ترور روانی او در سطح پیروان، در اینترنت و دیگر رسانه ها قوی تر و پرحجم تر می شود. مجموعه جوسازی ها، سم پاشی ها و تبلیغات سراسر دروغ دایره مذاهب (ابا) و جعل ها و اغفالگری های آنان باعث شد که جلادان فرهنگی و کماندوهای القاعده ای در

تاریخ ۱۳۸۶/۳/۷ با یورش مغول وار به منزل استاد و به یغما بردن آثار ایشان، او را در حالی که کودک دوساله اش را در آغوش داشت دستگیر کردند و مورد ضرب و شتم قرار دادند. بر او زنجیر زدند و او را به قصابخانه اندیشه ها و قتلگاه آزادی بردند.

از همان روز اول از جانب استاد این پیام از ۲۰۹ به گوش ما رسید: «برخوردی نکنید . در سکوت به تحلیل و تفکر پردازید.» مدتی بعد، چند تن دیگر از شاگردان استاد به بهانه های مختلف دستگیر شدند. عنوان اولیه همه این اتهامات «توهین به مقدسات ، تبلیغ علیه نظام اسلامی و اقدام بر ضد امنیت ملی » بود و تنها قسمت دوم عناوین کمی با هم فرق می کرد. اخبار مربوط به شکنجه ها و فشارهای جسمی و روحی استاد روز به روز و از طرق مختلف بیشتر و بیشتر به گوش می رسید . فشارهای فوق العاده و دور از باور برای ضبط فیلم اعترافات ساختگی و انکار حقایق، تا به این وسیله حبس و اعدام شاگردان

----- ضد بشر؛ دایره مذاهب -----

منتفی شود. خونریزی ها از ناحیه گوش و بینی، ادرار خونی، تزریقات مشکوک ، تهوع های رو به ازدیاد و استفراغ خونی، جزئی از گزارش های هر روزه ای بود که از طریق برخی از زندانیان امنیتی به بیرون از زندان راه می یافت. در جلسات احضار انواع نسبتهای دروغ به استاد داده می شد و از احضارشدگان درخواست می شد تا این مطالب را در سطح پیروان و در سطح جامعه مطرح کنند. آنها می گفتند که حتی در صورت آزادی موقت ، حکومت به استاد اجازه سخنرانی نمی دهد. او نباید بنویسد و یا با مردم حرف بزند ، حق ارتباط داشتن با شاگردانش را ندارد و حق خروج از کشور را هم نخواهد داشت .

بر اثر تبلیغات و تزریقات دایره مذاهب (ابا) بعنوان جنجالی ترین پدیده اجتماعی معرفی می شد؛ کسی که به هر قیمتی باید بی اعتبار و بی آبرو شود تا نفوذ و جذابیت خود را برای مردم و جوانان از دست دهد.

احضار شاگردان به دایره مذاهب (ابا) شدت گرفت . در این احضارها (که در موقع لزوم گزارشات مکتوب آن منتشر خواهد شد) تلاش می شد که با استفاده از انواع روش های شستشوی مغزی ، جنگ روانی و ترور شخصیتی ، ارتباط و علاقه افراد نسبت به استاد قطع شود و چهره ای دروغین و جعلی از ایشان ارائه گردد .

در حال حاضر نزدیک به چهل اثر از استاد رام الله که برگردان سخنرانی های اوست توقیف شده است . تنها اثر منتشر شده مربوط به سخنرانی های ۲۳ سالگی (مربوط به یازده سال پیش) استاد می باشد (به زودی دیگر آثار استاد نیز منتشر خواهد شد). در کنار این آثار ، بیش از دویست پروژه تحقیقاتی که مستقیماً یا با واسطه توسط ایلیا «میم» برنامه ریزی و راهبرد شده است نیز در توقیف قصابان اندیشه و فرهنگ و معنویت قرار دارد .

نویسندگان، سخنرانان، محققان و مدرسانی که همگی مستقیم یا غیرمستقیم توسط استاد آموزش دیده اند، عملاً

قادر به بروز توانمندی‌ها و قابلیت‌های خویش نیستند زیرا اجازه برگزاری هیچ گونه جلسه‌ای به آنها داده نمی‌شود. صرفاً به جرم آنکه این سخنرانان و مدرسان توسط استاد یا زیر نظر ایشان آموزش دیده‌اند و به هر شکل منتسب به او می‌باشند.

ماموران و مسئولان دایره مذاهب (ابا) مدتهاست که عدم مراجعه و مکاتبه با مسئولین و مراکز داخلی و خارجی را شرط آزادی فوری استاد ایلیا «میم» و بسته شدن کامل پرونده امنیتی وی اعلام کرده‌اند. علی‌رغم این درخواست موذیان و مشکوک، امروز ما، جمعیت ال یاسین، بزرگترین جمعیت فرهنگی و معنوی ایران، از همه رهبران می‌خواهیم به ظلم‌ها، بی‌عدالتی‌ها، دروغ‌ها، جعل‌ها، به تفتیش عقاید و به اسارت معلم محبوب ما پایان دهند و اجازه ندهند که اینگونه، بدترین و بی‌سابقه‌ترین ظلم‌ها و سوء استفاده‌ها، انجام شود.

جمعی از شاگردان و دوستان استاد ایلیا «میم»

نقض قوانین بین المللی حقوق بشر توسط «ابا»^۴

قوانین حقوق بشر قوانینی است جهانشمول که باید "در سراسر جهان برای تمام افراد بشر، صرف نظر از دین، نژاد، سن، جنس، زبان، تابعیت، موقعیت اجتماعی، و جغرافیایی به رسمیت شناخته شود و افراد بتوانند از آن بهره مند شوند. دولت‌ها نیز می‌بایست از این حقوق، بدون اعمال تمایز نسبت به موارد نامبرده، حمایت کنند"^۵. این مفهوم در تمام اسناد بین المللی مرتبط با موضوع حقوق بشر وجود دارد و دولت‌های طرف این اسناد نیز همگی آن را پذیرفته و به آن متعهد شده‌اند. بر اساس این قوانین، یک انسان به صرف انسان بودنش مستحق برخورداری از این حقوق است.

نزدیک به دو سال است که ایران درخواست عضویت در کمیساریای عالی حقوق بشر را داده و تعهد کرده است که از

^۴ اداره برخورد با ادیان و اقلیتهای معنوی یا دایره مذاهب وزارت اطلاعات
^۵ قواعد بین المللی مربوط به حقوق بشر (مجموعه جیبی برای پلیس) -
مولف: مرکز ملل متحد حقوق بشر

اعلامیه های حقوق بشر دفاع خواهد کرد^۶ لکن به دلیل عدم التزام عملی به مفاد این اعلامیه، کشور ما مدام از طرف مراکز حقوق بشر، سازمان عفو بین الملل و نیز در رسانه های بین المللی مورد سرزنش قرار می گیرد. البته در این ارتباط مسئولیت چهره بسیار زشتی که اکنون از فرهنگ و ملیت ایرانی نزد جهانیان ترسیم شده بر عهده اعمال غیرانسانی طیف خشونت طلب و عناصر آن در نهادی به نام دایره مذاهب در ایران است؛ محفلی که برای کنترل حوزه های دین و فرهنگ و در امتداد سیاست سرکوب اقلیتهای مذهبی و جمعیت‌های معنوی دست به انواع اقدامات امنیتی، رسانه ای و فرهنگی می زند.

در همین ارتباط، بررسی تطبیقی مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر با عملکرد «ابا» بعنوان یک نهاد کلان فرهنگی - امنیتی در ایران، بوضوح حاکی از نقض قوانین انسانی و حقوق شهروندی توسط عناصر این بخش امنیتی است.

در نگاهی اجمالی به پرونده های متعددی که طی سالهای اخیر تعدادشان رو به فزونی است، شاهدیم که اقلیتهای قومی و مذهبی و اقشار فراوانی از جامعه همچون زنان، دانشجویان،

^۶ «سر بیرون از آب کوه یخ ضدتصوف» - جواد محرابی

کارگران، معلمان و اعضای سایر اصناف تحت سرکوب این بخش امنیتی شدیداً از نقض حقوق انسانی در ایران رنج می برند. بطوریکه سازمان عفو بین الملل در گزارش ماه فوریه (بهمن ماه) خود درباره ایران از بدتر شدن سرکوبی مخالفان با نزدیک شدن به زمان انتخابات خبر داد.^۷ روند طی شده با بعضی از شخصیت ها و گروههای فرهنگی در ایران، بخصوص در چند سال گذشته نیز به روشنی گواه این مدعاست که اسناد آن به تدریج منتشر خواهد شد.

در این راستا، بررسی تطبیقی رفتارهای «ابا»؛ دایره مذاهب اطلاعات، با قوانین بین المللی حقوق بشر، قوانین کشوری و حتی مبانی اعتقادی و ایدئولوژیک در کشور ایران^۸، خود گویای همه

^۷ Amnesty International February ۲۰۰۹ AI Index: MDE ۲۰۰۹/۰۱۲/۱۳

<http://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE۱۳/۰۱۲/۲۰۰۹/en/۶۳۵۵۹۷۹b-f۷۷۹-۱۱dd-۸fd۷-f۵۷af۲۱۸۹۶e۱/mde۱۳۰۱۲۲۰۰۹en.htm>

^۸ با توجه به ادعای "طالبان مذهبی ایران" مبنی بر التزام به قوانین شریعت و احکام اسلامی، و از آنجا که بسیاری از فجایع و ظلم ها، با توجیه دفاع از اسلام صورت می گیرد، بخشی از متن حاضر به بررسی تطبیقی عملکرد «دایره مذاهب»- بعنوان نماینده تفکرات طالبانی- با قوانین جاری کشور، آیات قرآن و احادیث، و مبانی فقه اسلامی (بعنوان محل استناد

----- ضد بشر؛ دایره مذاهب -----

تناقض های ضد انسانی و ظلم ها و قانون شکنی های این نهاد امنیتی است. لازم به ذکر است که اداره برخورد با ادیان و مذاهب در میان بسیاری از اقلیتهای مذهبی و معنوی ایران با عنوان دایره مذاهب شهرت یافته است.

خسونت طلبان مذهبی) اختصاص داده شده تا از طریق همان ادبیات به همگان ثابت شود که اسلام تنها بهانه ای برای سرکوب جریانهای فرهنگی و اجتماعی، و قهری گری نسبت به اقشار مختلف جامعه بوده و عملکرد این داعیه داران دفاع از اسلام نه تنها با قوانین جهانی حقوق بشر، بلکه با اصول و قواعد اسلامی هم در مغایرت کامل است. - م

ماده ۱

«تمام افراد بشر آزاد زاده می‌شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابراند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.»

ماده ۲

«هر کس می‌تواند بی هیچ گونه تمایزی، به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر، و همچنین منشاء ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌های ذکر شده در این اعلامیه بهره مند گردد.»

به علاوه نباید هیچ تبعیضی به عمل آید که مبتنی بر وضع سیاسی، قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور یا سرزمین مستقل، تحت قیمومیت یا غیر خودمختار باشد، یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.»

طبق شواهد، این ماده درباره ایلیا «میم» بعنوان یک انسان آزاد، عضو یک جامعه مدنی و همچنین رهبری معنوی، صادق نیست. با توجه به مستندات پرونده وی، او حتی قبل از آنکه در دادگاه

محاکمه شود و پیش از آنکه حکمی درباره او صادر شود، از حقوق اجتماعی و فردی خود محروم شده است. مصاحبه صورت گرفته توسط سخنگوی جمعیت آل یاسین که از شبکه جهانی صدای آمریکا پخش شد^۹ و همچنین گزارش های منتشره در سایتها و وبلاگها وضعیت وی را اینگونه توصیف می کنند: "او حق حرف زدن با مردم را ندارد، حق نوشتن ندارد، انتشار آثار او ممنوع است، حق خارج شدن از کشور را ندارد، حق دفاع از خود را ندارد. حق ملاقات با شاگردان از او سلب شده است، همه آثار او توسط دایره مذاهب توقیف شده است، حق سخنرانی ندارد و به عبارتی ممنوع البيان، ممنوع القلم، ممنوع الخطاب و ممنوع الخروج است و این در حالی است که عاملان ضد معنویت با برنامه ریزی و راهبری «ابا» آزادانه و از طریق تربیونهای رسمی، با امکانات بیت المال، با امکانات عمومی که به همه مردم تعلق دارد و از همه طرق ممکن او را مورد تهاجم خود قرار داده اند..."

بر اساس اظهارات اعضای جمعیت مدارک ارائه شده توسط آنان، بیش از سه سال است که پروژه تهاجم بر علیه ایلیا «میم» و جمعیت ال یاسین در سطح وسیع و از طریق تخریب رسانه ای و ترور شخصیت در بایکوتی تمام عیار در حال انجام است. البته

^۹ پاییز ۸۶

مقالات منتشره از سوی به اصطلاح کارشناسان مذهبی، جلسات سخنرانی در حوزه و دانشگاه، برنامه های متعدد تلویزیونی در ردّ هر نوع قرائت جدید از دین و حتی معنویت، و حتی وضع قوانین جدید حاکی از آنند که این برخورد، شامل کلیه اقلیتها و جمعیت‌های معنوی و مذهبی است که هر کدام به تناسب گستردگی و اهمیتشان، دیر یا زود، بیش یا کم، مورد این تهاجمات ناعادلانه قرار می گیرند. در خصوص جمعیت ال یاسین، این پروژه در حالی آغاز شد که اکثر نشریات مربوط با این جمعیت در سال ۱۳۸۴ و در زمانی کمتر از یک هفته بدون برگزاری دادگاه و بدون طی مراحل قانونی مربوطه، لغو امتیاز شدند. دو سال پس از آن (پس از دستگیری استاد ایلیا) بیش از سه هزار سایت و وبلاگ که در حمایت از استاد ایلیا فعالیتی خودجوش داشتند به تیغ فیلتر سپرده شدند. ماههاست که دروغ پردازی و تحریف در برابر افکار عمومی و مسئولان و مقامات دولتی در حالی صورت می گیرد که کلیه رسانه های مربوط به این جمعیت در هجومی ضد فرهنگی قلع و قمع شده اند و ایلیا و شاگردانش، مانند سایر اقلیت‌های عمده کشور، در برابر شلیک‌های بی امان ماشینهایی ترور شخصیت «ابا» بی دفاع مانده اند. این

تقابل نابرابر، با تهدیدات «ابا» مبنی بر دستگیری شاگردان در صورت انتشار اخبار و ارتباط با رسانه ها کامل شده است. با این وصف، مفهوم "برابری" (و روح برادری) اینگونه تعریف شده است که عده ای با انواع امکانات بیت المال و حکومت اسلامی و با استفاده از رانت دسترسی به رسانه ملی و مطبوعات، بدترین و دروغ ترین اتهامات را به دیگران بزنند بی آنکه اجازه و امکان حتی یک کلمه یا یک سطر دفاع را به آنها بدهند. زاویه دیگر نقض این ماده از منشور را می توان در اشاره به جرائم برخی آقایان در مناصب خاص دولتی ایران و عدم برخورد قانونی با آنها دید. مصداقی عینی و عملی از آنچه نویسنده کتاب مشهور «قلعه حیوانات» طرح می کند که "همه در برابر قانون برابرند و برخی برابرتر!"

جهانیان انسانها را بدون در نظر گرفتن ملیت، نژاد، مذهب، عقیده سیاسی یا هر موقعیت دیگر مستحق بهره مندی از حقوق و آزادیهای انسانی می دانند، اما دیر زمانی است که بر اساس ادبیات اربابان پشت پرده دایره مذاهب (ابا)، مردم ایران به شهروند درجه یک، دو و سه دسته بندی شده اند و شاهد تبعیض های چشمگیر قرون وسطایی در برخورداری از ساده ترین حقوق انسانی در ایران هستیم.

حتی اگر با بدترین و تبعیض آمیزترین نگاه، قائل به برتری و طبقه بندی در جامعه باشیم، با گذری بر پرونده جمعیت ال یاسین و رهبر آن همانند بسیاری دیگر از جریانهای فکری و معنوی تحت سرکوب، همچنان جای این سوال باقی می ماند که چرا در ایران حتی افراد مسلمان و شیعه، و جمعیت‌هایی بدون تعلق به جناح خاص سیاسی و فاقد هرگونه سوء سابقه در ایران اینچنین به دستور پشت پرده ها و توسط «ابا» از ساده ترین حقوق انسانی خود محروم می شوند؟

ماده ۳

« هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد. »

ماده ۱۲

«نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات هیچ کس مداخله‌های خودسرانه صورت گیرد یا به شرافت و آبرو و شهرت کسی حمله شود. در برابر چنین مداخله‌ها و حمله‌هایی، برخورداری از حمایت قانون، حق هر شخصی است.»

در بخشی از اولین نامه سرگشاده اعضای جمعیت ال یاسین آمده :

«بعد از ۱۲ سال آموزش صدها متفکر، محقق، مدرس و نویسنده، مجموعه جوسازی‌ها، سم پاشی‌ها و تبلیغات سراسر دروغ اداره برخورد با ادیان (ابا) و جعل‌ها و اغفالگری‌های آنان باعث شد که جلادان فرهنگی و کماندوهای القاعده ای در تاریخ ۱۳۸۶/۳/۷ با یورش مغول وار به منزل ایلیا «میم» و به یغما بردن آثار ایشان، او را در حالی که کودک دوساله اش را در

آغوش داشت دستگیر کردند، بر او زنجیر زدند و او را به قصابخانه اندیشه ها و قتلگاه آزادی بردند.^{۱۰}

طبق گواهی شاهدان عوامل ابا در هجوم به محل سکونت ایلیا «میم» همه جا را بهم زدند و همه چیز را با خود بردند؛ حتی عکس ها، فیلم های خانوادگی، مکتوبات و دستنوشته های شخصی و نامه های خصوصی مردم به ایلیا «میم»؛ و هر چیز دیگری که به دستشان رسید.

در قوانین موضوعه حقوق بشر از «حق آزادی و امنیت شخصی» سخن گفته شده در حالیکه که بنابر اظهارات موثق، ماموران دایره مذاهب با نصب سیستمهای استراق سمع و تصویربرداری دائم در منازل و اتاق خوابها، فیلمها و صداهایی از حریم خصوصی ایلیا «میم» و شاگردان نزدیک او ضبط کرده و مدام آنها را به پخش و انتشار این صداها و تصاویر تهدید می کنند. افراد زیادی آماده شهادت دادن در این زمینه اند و در چند مورد نیز اظهارات

^{۱۰} بخشی از "نامه سرگشاده جمعی از شاگردان استاد ایلیا به رهبر ایران" که در اسفندماه ۱۳۸۶ به شکل گسترده ای در ایران و خارج از کشور، انتشار عمومی یافت. - م

شاهدان عینی حاکی از پخش قسمتی از این صداها و تصاویر بوده است.^{۱۱}

همین موضوع باعث شده که بعضی از شاگردان ایلیا «میم» ماههاست از خانه های خود گریزانند.

طالبان مذهبی ایران در بخش برخورد با ادیان و اقلیتهای مذهبی، مدعی دفاع از اسلام و التزام به قوانین اند اما این رفتارها بر اساس کدامیک از قوانین اسلامی و انسانی است؟

اینان به دروغ مدعی پایبندی به قوانین اند و عملاً به هیچ قانونی و قاعده ای در ایران و جهان اهمیت نمی دهند؛ حتی به تاکیدات آیت الله خمینی که داعیه خود و هم مسلکانشان در پاسداری از نظرات و دیدگاههای او گوش جهان را کر کرده است. در اثبات این مدعا به بند سه از فرمان هشت ماده ای^{۱۲} آیت الله خمینی اشاره می کنیم که در آن همه نهادها به "رفتار اسلامی" ملزم شده اند و در آن تاکید شده که هیچکس حق افشای مطالب

^{۱۱} لازم به ذکر است که کلیه مدارک و مستندات مربوط به این پرونده به شکل صوتی و تصویری نیز ضبط شده و در اختیار این انجمن قرار گرفته است. - م

^{۱۲} «دولت دینی و حریم خصوصی - بازخوانی فرمان هشت ماده ای امام خمینی (ره)

« - مهدی مهریزی

کشف شده در جریان یک پرونده را ندارد حتی اگر کشف فحشاء در جریان یک پرونده باشد.

علی رغم چنین دستوری ماموران دایره مذاهب با گستاخی تما به ضبط لحظات خصوصی و معمول (و نه فساد و نه فحشا) در زندگی یک معلم معنوی و شاگردان او دست زده و آنها را به پخش و انتشار این شنوذهای دزدانه تهدید هم می کنند!^{۱۳}

۱۳ « ... احدی حق ندارد با مردم رفتار غیر اسلامی داشته باشد... و مؤکداً تذکر داده می شود که اگر برای کشف خانه های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آن جا با آلت لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چرا که اشاعه فحشا از بزرگ ترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می باشد... و هم چنین هیچ یک از قضات حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی، که صادر کننده و اجرا کننده چنین حکمی

موارد طرح شده در این بخش، تنها مصداق تجاوز «ابا» به حریم شخصی رهبر و اعضای جمعیت ال یاسین بود و این در حالی است که طی ماههای گذشته، سلب حق زندگی اجتماعی، فرهنگی، فکری، روانی و شغلی آنها با این هدف انجام شد که سطح فعالیت و زندگی شان تا حد یک زندگی نباتی تنزل پیدا کند.

با این اوصاف می توان دید که حتی الفبای حقوق بشر هم توسط این نهاد کلان فرهنگی - امنیتی رعایت نمی شود چه رسد به بندها و موارد منشور بین المللی آن!

اگر از زاویه کلام خدا و توصیه های بزرگان دین همین موضوع را بررسی کنیم می بینیم که خداوند در کتاب آسمانی خود به روشنی انسان را از تجسس باز داشته و فرموده است: «ولا تجسسوا»^{۱۴}. مفسران تجسس را "جست و جو و تتبع برای

مورد تعقیب قانونی و شرعی است .» - بر گرفته از فرمان هشت ماده ای

آیت الله خمینی

^{۱۴} حجرات: آیه ۱۲

یافتن لغزش " معنا کرده اند^{۱۵} و در کتب روایی بخش زیادی به گردآوری روایات در نکوهش تجسس اختصاص داده شده است.^{۱۶} با وجود این ممنوعیت در "تجسس" ماههاست که عوامل «ابا» مشغول تجسس دزدانه در حریم خصوصی اعضای جمعیت ال یاسین هستند همانطور که نمونه های مشابهی را نیز می توان در خاطرات منتشر شده بسیاری از زندانیان عقیدتی - سیاسی هم ردیابی نمود.

گزارشات موجود حاکی از اعمال فشار بر بعضی از شاگردان ایلیا برای جاسوسی کردن و نصب میکروفن و دوربین در سایر مکانهای خصوصی محل سکونت ایلیا و شاگردان اوست.^{۱۷} لازم

^{۱۵} مجمع البیان، ج ۵، ص ۷۳۱

^{۱۶} «من طلب عثرات المؤمنین» - الکافی، ج ۲، ص ۴۵۳ / «ما جاء فی النهی عن التجسس» - سنن البیهقی، ج ۸، ص ۳۳۳ / «وجوب ستر الذنوب و تحریم التظاهر بها» - وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۳۶ (آل البيت) / ر.ک: میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۹۳-۳۹۳

^{۱۷} در بند ششم از فرمان هشت ماده ای رهبر فقید ایران آمده «هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن ها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط

به ذکر است که این گزارشات در زمان لازم به انتشار عمومی خواهد رسید.

در اصل بیست و پنجم قانون اساسی ایران گفته شده که «بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون» ولی تجاوزهای از حد گذشته به حریم خصوصی زندگی استاد ایلیا بدان جا رسیده که ماموران دایره مذاهب با

صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام این ها جرم و گناه است و بعضی از آن ها چون اتساعه فحشا و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آن ها موجب حد شرعی می باشد.» بنابراین حریم خصوصی شهروندان در دولت اسلامی باید مصون بماند، نه شهروندان و نه دولت مردان حق ورود به آن را ندارند. تنها دو مورد را می توان به عنوان استثنا برای کارگزاران حکومتی برشمرد و آن هم " تراحم حریم خصوصی با حقوق دیگران " و " تراحم حریم خصوصی با مصالح عمومی " است که هیچیک درباره استاد ایلیا و شاگردان او مصداق نداشته و این حرکات ماموران «با» حاکمی از عملکرد غیر قانونی و قواعد خویش فرما و خلق الساعه ی آنهاست.

ضبط مکالمات او با همسر و فرزند خردسالش، پس از مونتاژ و تکه برداری از آن، سعی در جرم سازی علیه این احیاگر معنویت و تفکر را دارند.

علاوه بر تخلف از قانون، مغایرت عملکرد دایره مذاهب با کلام خدا و کلام بزرگان دین اسلام – که ابا مدعی التزام به آنهاست – نیز کاملاً مشهود است. خداوند فرموده است: «کسانی که دوست دارند درباره اهل ایمان اتهامات زشت شایع شود هم در دنیا و هم در آخرت گرفتار عذابی دردناکند»^{۱۸} و نیز از بزرگان دین نقل شده «اگر آن چه را با چشم دیدی و با گوش شنیدی نسبت به مؤمنان بر زبان آری از کسانی خواهی بود که خداوند درباره آنان وعده عذاب داده است»^{۱۹}

در حدیثی از فرستاده خدا؛ محمد (ص) آمده است: «من مأمور نیستم از نهران و پنهان مردم جست و جو کنم»^{۲۰} اما مدعیان اسلام در «ابا» هر روزه در حال جستجو در امور شخصی و تجاوز

^{۱۸} ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم ، نور- آیه ۱۹

^{۱۹} اصول الکافی، ج ۲، ص ۷۵۳

^{۲۰} انی لم اؤمر ان انقب عن قلوب الناس ولا اشق بطونهم- کنز العمال، ج ۳،

ص ۸۰۸، ش ۵۳۰۵۱

----- ضد بشر؛ دایره مذاهب -----

به حریم افرادند تا از این طریق بتوانند دست به تخریب و تحریف
هویت آنها بزنند.

ماده ۵

«هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتاری ظالمانه، بر خلاف انسانیت یا تحقیرآمیز قرار گیرد.»

شکنجه و رفتارهای تحقیر آمیز در همه دنیا مردود و مذموم شمرده می شود اما بر طبق شواهد و مدارک موجود، ایلیا «میم» نزدیک به شش ماه در زندان انفرادی بند ۲۰۹، و تحت بدترین شکنجه های روحی و روانی و در شرایط بسیار بد جسمی به سر برده است.

قریب به ۱۸۰ روز زندان انفرادی در بند امنیتی ۲۰۹، بیش از یکصد جلسه بازجویی، تزریقات مشکوک منجر به خونریزی های گسترده و مداوم، تهدید به اعدام شاگردان و اعضای خانواده، توهین ها و فحاشی ها، حبس در سلولهای بسیار کوچک و کم ارتفاعی که به تابوت معروفند، محرومیت های طولانی از حقوق اولیه زندانی همچون ملاقات و امکان تماس با خانواده، بازجویی های طولانی و پر از فشار، بی خبری از شرایط خانواده و شاگردان، انتشار اخبار نگران کننده و کذب تنها گوشه ای از انواع شکنجه های سیاه و سفیدی هستند که همچون سایر زندانیان در بند، طی این مدت بر ایلیا «میم» نیز رفته است.

پس از آزادی نیز بنا بر آخرین گزارشات دریافتی، در یکی از آخرین جلسات احضار ایلیا «میم» به دفتر پیگیری های دایره مذاهب، شدت فشارها و شکنجه ها تا حدی بوده که منجر به خونریزی های شدید و بستری شدن وی گردیده است.

از طرفی طبق اخبار موجود، در آخرین جلسه ای که "طالبان مذهبی" ایلیا را برای ادای توضیحاتی درباره نامه ارسالی از جانب او به رهبر وقت جمهوری اسلامی، احضار کرده بودند تهاجم فیزیکی شدیدی از جانب بازجویان نسبت به وی صورت گرفته است. حملاتی با مشت و لگد، باتوم و شوکر، و توام با فحاشی...

شنیده ها درباره جزئیات واقعه حاکی از آن است که شرح این برخورد وحشیانه و غیرانسانی توسط مأموران دیگری که در ساختمان مربوطه حضور داشته اند صورتجلسه و به معاونت بازرسی وزارت اطلاعات و دادسرای انتظامی نیروهای مسلح گزارش شده است.^{۲۱}

طبق اصل ۳۹ قانون اساسی ایران «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر

^{۲۱} این جلسه در هفته آخر مهرماه سال ۱۳۸۷ برگزار شده است.

صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.»^{۲۲} اما بر اساس اظهارات شاهدان عینی، طی آخرین اقدام ماموران دایره مذاهب برای دستگیری تنی چند از اعضای جمعیت ال یاسین^{۲۳} (در دیماه ۸۷) نیز اقدام به بازداشت با ضرب و شتم شدید توأم بوده است. بر طبق قوانین حقوق بشر هیچ کس نباید شکنجه شود یا در معرض رفتارهای تحقیرآمیز قرار گیرد. در اصل ۳۸ قانون اساسی ایران هم تصریح شده که: «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود».

اما شکنجه های سیاه و سفید همچنان در زندانهای مخوف ایران بر علیه بسیاری از رهبران و پیروان اقلیتهای دینی و معنوی

^{۲۲} قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - تدوین مهدی کنگرانی - جمال الحق

۱۳۸۵ -

^{۲۳} این اقدام در تاریخ ۲۵ دیماه ۱۳۸۷ صورت گرفت که طی آن خانم نازی حسامی مدیر نشر یاهو و مدیر مسئول نشریه تعطیل شده هنرهای زیستن - وابسته به جمعیت ال یاسین - مورد ضرب و شتم شدید ماموران دایره مذاهب قرار گرفته است. (و)

جریان دارد. از تزریق سموم و مخدر و اقدام به عملیات شستشوی مغزی پس از آن، تا انفرادی های طویل المدت، آسیبهای جسمی، بازجویی های خارج از وقت، توهین و فحاشی، ضرب و شتم و روشهایی که در گذشته تنها در مخوف ترین زندانهای گشتاپو و شوروی سابق اعمال می شد.

در بند یک از ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند یک از اصل بیست و یکم اصول مربوط به بازداشت یا حبس آمده است: «هیچکس به شهادت علیه خود یا اقرار به مجرمیت مجبور نمی شود» اما طبق گزارشات شاهدان و برخی از زندانیان بند ۲۰۹، یکی از مقاصد اصلی نگهداری طولانی مدت ایلیا در سلول انفرادی و تحت انواع شکنجه ها، این بوده که وی گذشته خود را، هویت خود را، اثرات مثبت و ثمرات کارهای خود را انکار کند؛ و در برابر دوربینهای دایره مذاهب به خودتخریبی و خودمحکومی پردازد.

رییس قوه قضاییه ایران در جایی عنوان کرد که "زندان انفرادی نوعی شکنجه است." و با یادآوری بخشی از نامه علی^(ع) به مالک اشتر درباره برخورد با مردم، گفت: «باید با زندانیان برخورد انسانی داشت، چون ما با زندانی کردن یک زندانی عملاً خانواده وی را به زندان برده ایم.» او گفت: «اینها مردم و حتی اشخاص

خوب و بد را می گیرند و به بدترین شکلی شکنجه می کنند ، و از آنها اقرار می گیرند ، کدام کس به آنها چنین اجازه ای را داده است ؟ خوب برخیزید و جلوی آنها را بگیرید...»

سوال ما هم به عنوان اعضای انجمن دفاع از اقلیتهای مذهبی و جنبش های معنوی این است : "چه کسی به آنها چنین اجازه ای را داده است؟" این چگونه التزامی به قوانین و ضوابط است که نهادی امنیتی و خودسر با ابداع قوانین خویش فرما و خلق الساعه دست به هر جنایتی می زند و در محضر هیچ کس هم جوابگو نیست؟

علاوه بر این، گزارشات موجود نشان می دهد که کم نبوده اند فشارهای روانی که طی این شش ماه بر اعضای خانواده ایلیا و خود او اعمال شد. همسر او نیز که در آن زمان باردار بود تحت انواع فشارهای روانی قرار داشت. این نیز نقطه اشتراکی است که در گزارش اکثر زندانیان عقیدتی بند ۲۰۹ مشاهده می شود.

بر اساس مستندات ارائه شده، در زندان امنیتی، بازی با فیلم ها و عکس های خصوصی و خانوادگی و توهین به همسر و نزدیکان ایلیا «میم» از ابتدایی ترین این شکنجه های روانی بوده است. محرومیت های طولانی مدت از ملاقات و تماس با خانواده، بایکوت و محرومیت از دسترسی به اخبار، کتب، رادیو، تلویزیون و

مطبوعات، تهدید نزدیکان و همسر استاد به دستگیری انواع دیگری از شکنجه های روانی اعمال شده در مدت حبس او بوده است.

رخداد همه این فجایع در حالی است که در ماده ۱۰ میثاق جهانی حقوق بشر آمده: «درباره هر شخص محروم از آزادی با انسانیت و احترام به کرامت ذاتی شخص انسان رفتار می شود» و در ماده یک قانون مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در ایران هم، همه این اعمال شکنجه محسوب و ممنوع اعلام شده اند.^{۲۴} اما این بندهای ممنوع شمرده شده در مورد

^{۲۴} در این ماده آمده: «موارد مذکور در این قانون در حکم شکنجه بود و اعمال

آن ممنوع می باشد:

۱. هرگونه آزار و اذیت بدنی برای گرفتن اقرار و نظایر آن
۲. نگهداری زندانی به صورت انفرادی و یا نگهداری بیش از یک نفر در سلول انفرادی
۳. چشم بند زدن به زندانی در محیط زندان یا بازداشتگاه
۴. بازجویی در شب
۵. بی خوابی دادن به زندانی
۶. انجام اقداماتی که عرفاً اعمال فشار روانی بر زندانی تلقی می شود
۷. فحاشی و به کار بردن کلمات رکیک، توهین یا تحقیر زندانی در حین بازجویی یا غیر آن

ایلیا «میم» و همچنین رهبران سایر اقلیتها که برخی هنوز هم در زندان به سر می برند، تماماً اعمال شده. این جدای از احضارهای گسترده و مکرر وی پس از خروج از زندان بوده است که در زمان خود منتشر خواهد شد. در تبصره یک همین ماده تصویب شده که "تنها در موارد ضرورت برای کشف فوری جرایم محتمل الوقوعی چون فعالیت در شبکه های قاچاق مواد مخدر، هر گونه اقدام مسلحانه،

-
۸. استفاده از داروهای روان گردان و کم و زیاد کردن داروهای زندانی مریض
 ۹. محروم کردن بیماران زندانی از دسترسی به خدمات درمانی ضروری
 ۱۰. نگهداری زندانی در محل هایی با سر و صدای آزار دهنده
 ۱۱. گرسنگی یا تشنگی دادن. عدم رعایت استانداردهای بهداشتی و محروم کردن زندانی از استفاده از امکانات مناسب بهداشتی
 ۱۲. عدم طبقه بندی زندانیان و نگهداری جوانان یا زندانیان عادی در کنار زندانیان خطرناک
 ۱۳. جلوگیری از هوا خوری روزانه زندانی
 ۱۴. ممانعت از دسترسی به نشریات و کتب مجاز کشور
 ۱۵. ممانعت از ملاقات هفتگی یا تماس تلفنی زندانی با خانواده
 ۱۶. فشار روانی به زندانی از طریق اعمال فشار به اعضای خانواده زندانی
 ۱۷. ممانعت از ملاقات متهم با وکیل خود
 ۱۸. ممانعت از انجام فرایض مذهبی

گروگان گیری و آدم ربایی، جاسوسی، و عضویت در گروه های محارب، بازجویی از متهم با چشم بسته و در ساعات شب، با ممانعت از دسترسی به نشریات برای حداکثر یک هفته و نگهداری به صورت انفرادی برای مدت ۱۵ روز با قرار رئیس شعبه دادگاه رسیدگی کننده که باید مدلل و مستند به دلایل توجیهی باشد بلامانع است. " و در همین ماده قید شده که "تمدید مدت بازداشت انفرادی در صورت ضرورت با تأیید دادگاه تجدید نظر فقط برای ۱۵ روز دیگر بلامانع است." ۲۵

اما بر اساس مدارک موجود در پرونده، جرم ایلیا «میم» هیچیک از اینها نبوده است، و باید پرسید به استناد کدام مجوز و بر اساس

^{۲۵} اصل متن تبصره یک از ماده یک قانون مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس : «در موارد ضرورت برای کشف فوری جرایم محتمل الوقوع، بازجویی از متهم در جرایم ذیل با چشم بسته و در ساعات شب و همچنین ممانعت از دسترسی به نشریات خبری برای حداکثر یک هفته و نگهداری به صورت انفرادی برای مدت ۱۵ روز با قرار رئیس شعبه دادگاه رسیدگی کننده که باید مدلل و مستند به دلایل توجیهی باشد بلامانع است. تمدید مدت بازداشت انفرادی در صورت ضرورت با تأیید دادگاه تجدید نظر فقط برای ۱۵ روز دیگر بلامانع است. فعالیت در شبکه های قاچاق مواد مخدر، هر گونه اقدام مسلحانه، گروگان گیری و آدم ربایی، جاسوسی به نفع بیگانگان، عضویت در گروه های محارب در موارد ۴ و ۵، اقدامات فوق الذکر باید به وسیله ی وزارت اطلاعات تقاضا شده باشد.»

کدام قانون، شخصی بیگناه را به مدت شش ماه در زندان انفرادی حبس کردند و تحت انواع شکنجه های جسمی و روحی قرار داده اند؟ و به استناد کدام مجوز، افرادی هستند که اکنون بیش از یک سال است به جرم عقایدشان و به بهانه های واهی و غیرمستند، در بند و حبس به سر می برند؟ آیا صرف داشتن فکر و اندیشه ای متفاوت یا عقیده ای دیگر، مجوز حبس و اعمال فشار علیه جنبشهای معنوی و پیروان اقلیتهای دینی است؟

ماده ۶ مصوبه کمیسیون امنیت ملی مجلس درباره ممنوعیت شکنجه می گوید «متخلف از مفاد این قانون اعم از آمرین و مامورین و مسئولینی که از اعمال شکنجه مطلع بوده اند و آن را به مراجع بالا گزارش نداده اند ... در مرتبه اول به سه تا شش ماه زندان و یک سال انفصال از خدمات دولتی محکوم می گردند». با وجود این تصریح قانونی، تاکنون هیچ توضیحی درباره علت این شکنجه های غیر انسانی در مدت بازداشت ایلیا، به عنوان تنها یکی از قربانیان این شکنجه ها، داده نشده است.

ماده ۶

«هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی اش در همه جا به رسمیت شناخته شود.»

ماده ۷

«همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بی هیچ تبعیضی از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد، و بر ضد هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، از حمایت یکسان قانون بهره مند گردند.»

ماده ۸

«در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار دهد و آن حقوق به وسیله قانون اساسی یا قوانین دیگر برای او به رسمیت شناخته شده باشد، هر شخصی حق مراجعه موثر به محاکم ملی صالحه را دارد.»

در جریان اولین دستگیری استاد ایلیا «میم»^{۲۶} و پس از مکاتبات و مذاکرات گسترده شاگردان او با مسئولین ارشد نظام برای پیگیری علت دستگیری و دادخواهی، تنی چند از شاگردان به دایره مذاهب احضار شده و مورد تهدید قرار گرفتند.^{۲۷} تهدیدی مبنی بر این که "در صورت ادامه مکاتبات و پیگیریها خودتان هم دستگیر خواهید شد".

هم اینک نزدیک به دو سال است که تلاشهای اعضای «جمعیت ال یاسین» برای انعکاس ملی و بین المللی شرایطشان در حالی صورت می گیرد که آنها حتی از مکاتبه با مسئولین داخلی کشور و اطلاع رسانی درباره اقدامات «ابا» منع شده اند و هرگونه فعالیتشان در این زمینه، با واکنش های تهدیدی و تخریبی مواجه می شود.

با اینکه پس از گذشت ماهها هنوز اتهام ایلیا به طور رسمی گفته نشده به نظر می رسد داعیه داران عمل به قوانین اسلامی در «ابا» تمامی سعی خود را به کار بسته اند تا جمعیت ال یاسین را

^{۲۶} در خرداد ماه ۸۶

^{۲۷} مطلع شده ایم که گزارشات مستند این احضارها به اشکال مکتوب و

تصویری تهیه شده است. - م

به ناحق از ساده ترین حقوق خود که همان روشنگری درباره رهبر جوان و فعالیتهای جمعیت، و دادخواهی است بازدارند. عوامل «ابا» با توجیحات دروغین و پخش بولتن های جااعلانہ و کذب بین مسئولین نظام، همه درها را به روی این جمعیت فرهنگی بسته اند تا جایی که دیگر کسی حاضر نیست به حرف آنها گوش دهد. این در حالی است که نمونه های مستند فراوانی در رسانه های ایران نشان می دهد که نهاد مورد اشاره (ابا) خود با در اختیار داشتن انواع بلندگوها و ابزارها، مغول وار بر رهبران حرکت های معنوی - فرهنگی در ایران می تازد و روزی نیست که شاهد حمله ای جدید بر علیه روشنفکران، رهبران معنوی و دگراندیشان نباشیم.

پس از اعمال این محدودیتها و بی اثر بودن مکاتبات اعضاء با مسئولین، جمعی از نمایندگان جمعیت ال یاسین اقدام به مکاتبه با بالاترین مقام مملکتی نمودند. در بخشی از نامه دوم نمایندگان ال یاسین به رهبر وقت ایران آمده است: «... اجازه ندهید که بر اساس شهادتهای دروغی که خود شهادت دهندگان می گویند دروغ است و از سر ترس و تطمیع بوده معلم ما را در اسارت هر چه بیشتر قرار دهند. بعد از نامه ما به شما فشارها صدها مرتبه بیشتر شد. صدا و سیما هر شب بر علیه ما با ذکر مشخصات برنامه

می‌گذارد. معلم ما را تحت فشار بیشتر گذاشتند. وعده دادند که قرار است ما را به جرم حمایت از ایشان و اعتقاداتمان دستگیر کنند. و ما ماههاست که منتظر زندانیم و برخی از ما وصیتهای خود را نوشته ایم. شدت تقاضای ادارهٔ ادیان از مردم برای شکایت خصوصی و ساختگی از استاد علیرغم آنکه در سالهای اخیر بی نتیجه بوده اما امروز بالا گرفته است...»^{۲۸}

اما بعد از این مکاتبات فشارها همچنان بر رهبر و اعضای جمعیت ال یاسین ادامه یافت چنانکه در تاریخ ۲۵ دیماه ۱۳۸۷ ایلیا «میم» برای دومین بار بازداشت شد و طی چند ساعت ۵ تن از اعضای جمعیت نیز بدون حکم و با شدیدترین برخوردها دستگیر شدند. پس از این موج دستگیری، ماموران دایره مذاهب مجدداً طی احضار چند تن از اعضای جمعیت درخواست عدم انعکاس موضوع را مطرح کردند.

^{۲۸} تا تاریخ آبان ۱۳۸۷، دو نامه از طرف نمایندگان ال یاسین برای رهبر ایران ارسال شده است که این مطلب از نامه دوم گرفته شده است. - م

ماده ۹

«احدی را نمی توان خود سرانه توقیف، حبس یا تبعید نمود.»

یکی از اصلی ترین شاخصه های رفتاری ماموران «ابا» در جریان پرونده ایلیا «میم» و جمعیت ال یاسین، بازداشت های بدون مدرک و بدون جرم، احضارهای شفاهی بدون حکم و پر از تهدید استاد و شاگردان وی برای بازجویی بود. ماموران «ابا» دم از عمل به قوانین و ضوابط می زنند اما این رفتار آنها نیز در مغایرت کامل با بند چهارم از فرمان هشت ماده ای آیت الله خمینی است. در بند چهارم از این فرمان آمده: «هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید، هر چند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است.»

طی اولین دستگیری در خرداد ماه ۸۶، حکم بازداشت ایلیا بدون ارائه هیچ دلیلی دو بار (هر بار به مدت دو ماه) تمدید شد. احضارهای شاگردان به «ابا» بصورت شفاهی و تلفنی و یا از

طریق پیغام! و در فضایی آکنده از تهدید انجام می شد^{۲۹} و اقدام اخیر ماموران دایره مذاهب^{۳۰}، و دستگیری چند تن از اعضای جمعیت ال یاسین نیز بدون ارائه حکم بازداشت صورت گرفته است.

از زاویه ای دیگر، قوانین جهانی می گویند "هیچکس را نباید خودسرانه حبس یا تبعید کرد". حبس و تبعید محدود به انتقال آدمی به سلول یک زندان یا دور کردن او از شهر و دیارش نیست چراکه گاهی انسان در عین آزادی ظاهری در زجرآورترین زندانها محبوس است. چنانکه ایلیا هم پس از خروج از زندان امنیتی، به زندانی بزرگتر منتقل شد. بر اساس گزارشات، این معلم معنوی ماهها در نوعی از حصر خانگی تحت شدیدترین مراقبتهای امنیتی به سر برده است؛ اجازه ارتباط با مردم و شاگردان خود را نداشته و مراقبتهای امنیتی بر وی و نزدیکانش همواره جاری بوده است. این موضوع یادآور حصرهای خانگی است که در سی سال گذشته، در مورد بزرگان و صاحب نظرانی چند به وقوع

^{۲۹} احضارشدگان همگی حاضرند و گزارشات و شهادتهای آنها در مورد

جلسات احضار، همگی مستند و به این انجمن ارائه شده اند. (م)

^{۳۰} اشاره به موج دستگیری ها در هفته آخر دیماه ۸۷

----- ضد بشر؛ دایره مذاهب -----

پیوسته است به آن امید که به حصر اندیشه ها و راه آنان بینجامد
و البته تاریخ اثبات کرده و اثبات خواهد کرد که اندیشه، زندانی
نخواهد شد.

ماده ۱۱

«هر شخصی که به خطایی متهم شده باشد، بی گناه محسوب می‌شود تا زمانی که در جریان محاکمه ای علنی که در آن تمام تضمین‌های لازم برای دفاع او تامین شده باشد، مجرم بودن وی به طور قانونی محرز گردد...»

در اسفند ماه ۱۳۸۶ ویژه نامه ای ۶۴ صفحه ای، در تیراژ سیصد هزار جلد توسط روزنامه جام جم^{۳۱} منتشر و بصورت رایگان در سراسر ایران توزیع شد. در این مجموعه که به شکل مشخص در امتداد سیاست سرکوبی اقلیتهای مذهبی و حرکتهای معنوی تهیه شده بود بخش عمده ای از مطالب موجود در بخش مربوط به ایلیا، برگرفته از پرونده وی در دایره مذاهب بود.

دست اندرکاران تهیه این نشریه در صفحه ۱۹ همین ویژه نامه عنوان کرده اند که "پرونده وی در حال رسیدگی است"، لکن معلوم نیست بر اساس کدام قانون یا مصوبه، اطلاعات محرمانه یک پرونده "در حال رسیدگی" از یک روزنامه کثیرالانتشار سر در آورده است!

^{۳۱} این روزنامه وابسته به صدا و سیما است.

طبق اظهارات شاهدان، مسئولان دایره مذاهب بعداً اعلام کردند که این کار با مسئولیت و برنامه آنها انجام شده و آشکارا گفته اند که مشابه این کار از طرق مختلف تکرار خواهد شد؛ آن هم با یک هدف: تخریب چهره ایلیا «میم». البته نمونه برنامه های مختلف تلویزیونی بعدی که با موضوعیت و برجسب فرقه گرایی حملات گسترده ای را به اقلیتهای دینی و حرکتهای معنوی وارد می کرد نشان داد که این برنامه دنباله دار خواهد بود.

با توجه به اصل ۳۷ قانون اساسی در ایران که می گوید «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد»، تا زمانی که قرار مجرمیت کسی توسط دادگاه صالح صادر نشده باشد نمی توان رای به محکومیت وی داد و نباید اتهامات اثبات نشده او را به انتشار عمومی رساند. از اینرو نشت اطلاعات پرونده ایلیا «میم» از دایره مذاهب و انتقال آن به رسانه های عمومی نه تنها در مغایرت صریح با قوانین حقوق بشر و قانون اساسی ایران است بلکه توجه را به سوی ارتباطات پشت پرده ای جلب می کند که گویای گسترش سرطان وار ریشه های این نهاد در سایر ادارات و ارگانهاست.

علاوه بر این ویژه نامه - که بر اساس اسناد ارائه شده توسط پیروان ایلیا «میم» حاوی انواع اکاذیب و تهمت‌هاست - طی دو سال گذشته سلسله سخنرانی‌هایی توسط عوامل دایره مذاهب برگزار شد و متعاقب آن کتابی هم به چاپ رسید^{۳۲} که در آنها انواع دروغها به استاد ایلیا «میم» و سایر اساتید بزرگ معنوی چون اشو راجنیش، کریشنا مورتی، ساتیا سایی بابا، و ... نسبت داده شد^{۳۳}، با توجه به اینکه از نظر حقوقی و بر طبق قوانین جاری ایران برخی مطالب مطرح شده در سخنرانی‌ها و کتاب مورد بحث مصداق بارز افترا، قذف^{۳۴} و نشر اکاذیب بوده و طبق قانون، مرتکبان، معاونان و مباشران آنها می‌بایست تحت پیگرد قرار گیرند.^{۳۵} اما کدام قانون؟ توسط کدام مجری قانون؟ و به دستور کدام قاضی؟ شاید در زمانی دیگر...

در ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی آمده که "هر کس بوسیله اوراق چاپی یا خطی یا بوسیله درج در روزنامه و جرائد یا نطق در

^{۳۲} کتاب «آفتاب و سایه‌ها» نوشته م. فعالی

^{۳۳} این اقدام به خوبی نشان دهنده برنامه‌های مختلف دایره مذاهب در سرکوب

انواع جریانهای معنوی در ایران است. - م

^{۳۴} نسبت روابط نامشروع به کسی دادن

^{۳۵} نشر اکاذیب - محمد علی روشنی

مجامع یا به هر وسیله دیگری به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن کار جرم محسوب می شود و نتواند صحت اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یکماه تا یکسال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». ^{۳۶ و ۳۷}

با این وصف چه نوع ارتباطاتی باعث شده که مفتریان و اشاعه دهندگان این مطالب کذب تاکنون از اجرای این قانون مصون بمانند؟!

همچنین در ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی آمده «کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع، به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورده مسئول جبران آن است». ^{۳۸} اما در این آشفته بازار قانون شکنی چه کسی مسئولیت جبران جراحات وارده به چهره و حیثیت جمعیتها و شخصیتهای مورد توهین «ابا» از جمله ایلیا «میم» را بر عهده می گیرد؟

گفتنی است که در جریان تهاجم روانی بر علیه ایلیا، مانند دیگر بزرگ اندیشمندان در بند، نه تنها «ابا» مورد سوال قرار نگرفت و

^{۳۶} قانون مجازات اسلامی

^{۳۷} آیین دادرسی کیفری

^{۳۸} قانون مسئولیت مدنی

نه تنها هیچ مرجعی از حیثیت و اعتبار خدشه دار شده این معلم معنوی دفاع نکرد، بلکه بر اساس اسناد تهیه شده از جلسات بازجویی، بازجویان «ابا» در زندان ۲۰۹، تحت انواع فشارها از ایلیا خواسته اند که در سلول انفرادی بر کتاب خود (جریان هدایت الهی - جلد اول) نقدی بنویسد و از کتاب دشمنانش (آفتاب و سایه ها) بصورت مکتوب تجلیل کند!

ماده ۱۳

« ۱- هر شخصی حق دارد در داخل هر کشور آزادانه رفت و آمد کند و اقامتگاه خود را برگزیند. ۲- هر شخصی حق دارد هر کشوری، از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خویش بازگردد. »

ماده ۱۴

« در برابر شکنجه، تعقیب و آزار، هر شخصی حق درخواست پناهندگی و برخورداری از پناهندگی در کشورهای دیگر را دارد...»

انتخاب محل زندگی از ساده ترین حقوق انسانی است که توسط دایره مذاهب از استاد ایلیا سلب شده. به گفته نزدیکان وی، از جمله شروط آزادی او از زندان، ممنوعیت خروج از کشور بود که هم اکنون نیز به قوت خود باقی است. با خبر شدیم که طی ماههای بازداشت، عوامل خشونت بر تعیین محل سکونت ایلیا پس از آزادی او نیز اصرار می ورزیدند. این در حالی است که طبق اصل ۳۳ قانون اساسی «هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع

----- ضد بشر؛ دایره مذاهب -----

یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون
مقرر می‌دارد.»

ماده ۱۷

«۱- هر شخصی ، به تنهایی یا بصورت جمعی حق مالکیت دارد. ۲- احدی را نمی توان خود سرانه از حق مالکیت محروم نمود.»

علی رغم چنین حقی، «ابا» پس از دستگیری ایلیا «میم» با توجیه تعلق اموال او و همسرش به حکومت اسلامی، اقدام به توقیف و مصادره کلیه این اموال نمود. تردیدی نیست در اسلامی که طالبان مذهبی ایران مدعی پایبندی به احکام آن است، یکی از امور ممنوعه که همه مذاهب هم بر آن اتفاق نظر دارند تصرف در ملک دیگری و حریم او، بدون رضایت مالک و صاحب حریم است.

در کلام خداوند آمده: «ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال یکدیگر را به ناروا مخورید مگر آن که داد و ستدی یا تراضی یکدیگر از شما انجام گرفته باشد»^{۳۹}.

^{۳۹} یا ایها الذین آمنوا لاتأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجارة عن تراض

منکم - نساء: ۲۹

قاعده دیگری هم در فقه اسلامی مطرح است با عنوان "احترام مال مسلمان" که هر گونه تصرف در اموال دیگران را منع کرده^{۴۰} است. آنطور که به نظر می رسد این اقدام غیرقانونی که شامل توقیف کلیه اموال مربوط به ایلیا و همچنین تشکل های مربوط به جمعیت ال یاسین است، بخشی از سناریوی تکرار شونده در راستای نابودی هر نوع حرکت و جریان فکری - معنوی در کشور باشد که با هدف قطع شریانهای اقتصادی این جمعیت و همچنین وابسته سازی اعضای مرکزی آن از نظر مالی صورت گرفته است با این امید که بتواند صدماتی اساسی را به ادامه این حرکت فرهنگی - معنوی وارد نماید.

^{۴۰} سید محمد کاظم مصطفوی، القواعد (مأة قاعدة فقهیة)، ص ۳۲-۵۲.

ماده ۱۸

«هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره مند شود. این حق، مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار دین یا اعتقاد، در قالب آموزش دینی، عبادتها و اجرای آیینها و مراسم دینی به تنهایی یا به صورت جمعی، به طور خصوصی یا عمومی است.»

سلب حق آزادی معنوی و تفتیش عقیده دگراندیشان توسط مقدس مآبان افراطی از اعمال اسف باری است که در طول تاریخ بارها در پوشش تبلیغ و ترویج دین صورت گرفته. با اینکه در کلام خدا بوضوح بر فرستاده اش تاکید شده که حتی باید با مخالفین خود که ظاهراً اسلام را اختیار کرده اند رفتاری انسانی داشت و مانند سایر مسلمانان با آنان رفتار کرد، با این حال در برهه های بسیاری از زمان، شاهد تفتیش عقاید قرون وسطایی همراه با شکنجه و آزار دگراندیشان توسط مسلمان نماهای افراطی بوده ایم.

بواقع، بعضی از فجایع هولناک تاریخی توسط عده ای صورت گرفته که اعمال خود را ظاهراً بخاطر خدا و اعتقاد به احکام دینی توجیه کرده اند، اما در حقیقت انسان های بی گناه را به جرم داشتن

افکار و اندیشه‌های جدید مورد شکنجه قرار می‌دادند تا از عقاید خود دست برداشته و از آن اظهار پشیمانی کنند.

با وجود اهمیتی که اسلام برای پرهیز از جستجو و تفتیش عقاید قائل است، امروز نیز تروریستهای مذهبی «ابا» در ایران از این روند بعنوان حربه‌ای در سرکوب دگراندیشان، اقلیتهای دینی و گروههای معنوی استفاده می‌کنند. طی قرن‌ها، انحصارطلبان دینی اغلب با انگیزه‌های سیاسی برای مسلمانانی که با آنان اختلافات اصولی داشتند، حکم تکفیر صادر می‌کردند. در تاریخ اسلام، بنی امیه سلسله جنبان استفاده ابزاری از حربه تکفیر بوده است و در قرون اولیه اسلام هم عده‌ای از روحانیون سطحی، متعصبین و متحجرین به تکفیر فرقه‌ها و گروه‌های مخالف خود، دست زده و افراد بسیاری را محکوم کردند؛ ابن سینا، فارابی، حلاج، خیام، غزالی، مولوی، حکیم سنایی، فردوسی، ملاصدرا، حکیم سبزواری، سید جمال الدین اسد آبادی و دهها اندیشمند دیگر از جمله این تکفیرشدگان بوده‌اند. و اینک در دوره معاصر بخش امنیتی برخورد با اقلیتهای مذهبی (ابا) ادامه دهنده راه امویان و سردمدار تفتیش عقاید در ایران است.

حکم قانون اساسی ایران درباره تفتیش عقاید و تحقیق و تفحص در امور شخصی افراد طی اصل ۲۳ چنین صادر شده: «تفتیش

عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد». علی رغم این نص صریح قانون، طبق مستندات و شواهد گوناگونی که توسط این انجمن بررسی شده، ایلینا «میم» طی شش ماه حبس، تحت یکی از شدیدترین روندهای تفتیش عقاید قرار داشته است بطوری که بخش اعظم جلسات بازجویی او به شرح و تبیین افکار درونی، سیر تفکرات شخصی و تشریح گناهان اعتقادی اش اختصاص داشت!

تاسف آور است که این اعمال توسط ارگانی و در کشوری به انجام می رسد که حدود ۲۵ سال قبل - یعنی در تاریخ پانزدهم دیماه سال ۱۳۶۱- رهبر آن در نامه ای خطاب به ستاد پیگیری تخلفات قضایی و اداری، دستوری پیرامون منع از تجسس و گزینش های غیر معقولانه را صادر می کند^{۴۱} و می نویسد: «...»

^{۴۱} ایشان در این نامه حتی از طرح سوالات دینی و ایدئولوژیک اسلامی در ستادهای گزینش ابراز تاسف بسیار نموده و می گویند: « این نوشته ها که مشحون از سوالات غیر مربوط به اسلام و دیانت و احیاناً مستهجن و اسف آور است، از آن جا که به اسم دیانت اسلام منتشر شده است، از کتب و جزوات انحرافی است که برای حیثیت اسلام و جمهوری اسلامی مضر است و به وزیر ارشاد توصیه نمودم که امثال این کتب را در اسرع وقت جمع آوری و فروش و خرید و نشر آن ها را

و سؤال از افراد به این که چند معصیت نمودی، چنان چه بنا به بعضی گزارشات این نحوه سؤالات می شود، مخالف اسلام و تجسس کننده معصیت کار است...»

می خواهیم بدانیم در جایی که تجسس از احوال اشخاص حتی برای گزینش آنها مذموم و خلاف اسلام شمرده می شود، «ابا» چه توجیهی برای این عملکرد خود و تفتیش سیر تفکرات شخصی و تعداد گناهان اعتقادی یک زندانی در بند دارد؟

ممنوع شرعی اعلام نمایند.» در پی این دستور فرمان انحلال هیئت های گزینش در سراسر کشور صادر شد.

ماده ۱۹

«هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق، شامل آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم و نگرانی نداشته باشد و در کسب و دریافت و انتشار اطلاعات و افکار، به تمام وسایل ممکن، و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.»

روشن است که سلطنت آدمی بر خویش بالاتر از سلطنت او بر اموال تحت تملک اوست. اگر تصرف در اموال یک فرد بدون رضایت او ناروا و ممنوع است، تفتیش عقیده و سلب حق آزادی عقیده و بیان، که تصرف در ذهن و روان او محسوب می شود قطعاً و با شدت بیشتری ممنوع و مردود خواهد بود.

در جریان دستگیری ایلیا، یکی از اصلی ترین اتهامات وارده توسط دایره مذاهب، انتشار مجموعه سخنرانی های او در قالب جلد اول کتاب تعالیم حق (جریان هدایت الهی) بود. شاگردان ایلیا «میم» اذعان کرده اند که با وجود گذشت این همه سال از انتشار این کتاب و مطالعه آن توسط علماء و صاحب نظران بسیار، و با وجود وارد نشدن حتی یک مورد مغایرت بین محتوای این کتاب با علوم توحیدی، تعجب آور است که حالا- پس از قریب به یک

دهه - کتاب مذکور یکباره مغایر با اسلام، عامل انحراف و مروج عرفانهای شرقی و ادیان التقاطی شناخته شده است.

خداوند انسان را برخوردار از حق آزادی عقیده می داند، هرگز اجازه تفتیش عقاید را نمی دهد و کسی را از این نظر تحت فشار نمی گذارد. اگر کسی اظهار قبول اسلام کرد، این اظهار را محترم می شمارد و بدبینی و سوء ظن را در این زمینه مجاز نمی داند.

«و به خاطر بدست آوردن مادیات و غنائیم به کسی که به شما اظهار صلح و سلام کند مگویید که مومن نیستی»^{۴۲}.

در نظر خداوند، حتی عقیده دینی چیزی نیست که با اجبار و اکراه تحمیل شود، بلکه باید از دیدگاهی منطقی و دلایل مستحکم سرچشمه گیرد: «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی»^{۴۳}.

از منظری «لا اکراه فی الدین» آزادی عقیده و مذهب را بیان می کند و این نشان می دهد که خداوند چگونه برای انسان و اراده و فکر و شعورش حرمت و کرامت قائل شده است. آزادی عقیده اولین حقی است که به هر انسانی عطا شده پس کسی که حریت عقیده را از انسان می گیرد قبل از آن انسانیت را از او گرفته است. اگر آزادی عقیده وجود دارد قهراً باید آزادی در تبلیغ

^{۴۲} و لا تقولوا لمن القی الیکم السلام لست مومنا- نساء: ۹۴

^{۴۳} بقره: ۲۵۶

برای عقیده هم وجود داشته باشد و اگر نه، این آزادی عقیده فقط یک آزادی اسمی و صوری است.

علی رغم این دیدگاه، ماموران «ابا» در ایران، همواره در حال اعمال فشار برای کنترل و سلطه بر عقاید دینی و معنوی افرادند. "طالبان مذهبی" در ایران ایلیا را به فرقه سازی، توطئه بر علیه اسلام، و بدعت گذاری در دین متهم نموده اند در حالی که طبق بررسی های انجام شده مواضع و دیدگاههای او مکرراً طی بیانیه های رسمی صادره از سوی دفتر ارتباطات مردمی این مجموعه تصریح شده است.^{۴۴}

در طی ماههای گذشته، کلیه کتب ایلیا و همسر ایشان^{۴۵} توسط افراد ناشناس از کتابفروشی ها جمع و فروشندگان آنها با تهدید از عرضه این کتب منع شدند. نتیجه بررسی ها نشان می دهد که جلسات سخنرانی او از چند سال پیش به دلیل محدودیتها و

^{۴۴} «اساس دین الهی، لاله‌الله است»، «فرقه‌گرایی باطل است و در دین خدا راه ندارد»، «در این زمان ادعای الوهیت، نبوت و امامت از جانب هر کسی که مطرح شود، اشتباه است»، ...

^{۴۵} کتاب «جریان هدایت الهی» (جلد اول) و سه مجموعه داستانی از تمثیلهای او به نامهای «رویای راستین»، «رویای راهست این» و «باغبان الهی» با شرح و تفسیر خانم پریا (شباب حسامی) همسر ایشان.

اعمال فشارهای متعدد از جانب طالبان مذهبی متوقف شد تا اینکه در یکی از جلسات سخنرانی در استادיום شهید شیرودی تهران، در حضور هزاران شاهد برای اولین بار تهاجم فیزیکی و آشکاری بر علیه وی انجام شد.^{۴۶} طبق اظهارات شاگردان وی و مدارکی که در دست دارند، بعد از این اتفاق حجم تهاجم و موج ترور شخصیتی و اجتماعی استاد ایلیا «میم» شکل جدیدی به خود گرفت و با شدت بیشتری در رسانه های وابسته به دایره مذاهب ظاهر شد.^{۴۷} پس از دستگیری و شش ماه حبس در انفرادی، "عدم سخنرانی برای مردم" از جمله شروط آزادی او قرار داده شد که همچنان به قوت خود باقی است.

قوانین وضع شده جهانی انسان را موجودی برخوردار از حق مسلم آزادی می داند که نبایست او را به بردگی کشید، اما، آیا بردگی فقط به زنجیر کشیدن کالبد یک انسان است؟ آیا در قرن بیست و یکم حبس اندیشه ها و سلب حق تفکر و آزادی بیان به بردگی کشاندن آدمی نیست؟

^{۴۶} بهار ۱۳۸۴

^{۴۷} ر. ک "نامه سرگشاده جمعی از شاگردان ایلیا به رهبر ایران"

ماده ۲۰

«۱- هر شخصی حق دارد از آزادی تشکیل اجتماعات، مجامع و انجمن‌های مسالمت آمیز بهره مند گردد...»

ماده ۲۲

« هر شخصی به عنوان عضو جامعه، حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به یاری مساعی ملی و همکاری بین المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ضروری برای حفظ حیثیت و کرامت و رشد آزادانه شخصیت خود را، با توجه به تشکیلات و منابع هر کشور، به دست آورد.»

ماده ۲۳

«هر شخصی حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه برگزیند، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در برابر بیکاری حمایت شود... و هر شخصی حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و یا به اتحادیه‌های موجود بپیوندد.»

بررسی سوابق و پرونده های کاری، محصولات و انواع فعالیت‌های جمعیت ال یاسین نشان میدهد که پرورش صدها محقق و مدرس، شکل گیری یکی از بزرگترین مجموعه تشکلهای غیردولتی در خاورمیانه با نزدیک به ۲۰۰۰۰۰ عضو و متشکل از موسسات و نشریات متعدد از جمله نتایج عملکرد استاد ایلیا «میم» در سالهای گذشته بوده است. اما شواهد حاکی از آنند که با شروع برنامه برخورد با ایلیا توسط دایره مذاهب (ابا)، گستره فشارها و محدودیتها به موسسات مرتبط با او نیز کشیده شده است.^{۴۸}

«ابا» این مجموعه از موسساتِ واجد مجوزهای رسمی را، غیرقانونی می خواند و در احضارهای گسترده^{۴۹}، مسئولین نشریات و NGO ها را (بنا بر شهادت خود افراد) با تهدید و ارباب ملزم به خودکشی حقوقی دانسته و آنها را مکلف نموده اند تا داوطلبانه درخواست لغو مجوز و انحلال موسساتشان را بدهند. به شاگردان

^{۴۸} برخی از نشریات و موسسات مربوط به جمعیت ال یاسین عبارتند از: نشریات هنر زندگی متعالی، حرکت دهندگان، هنرهای زیستن، علوم باطنی و علم موفقیت، تفکر متعالی، اخبار کودکان، انجام حرفه ای متفکران و محققان، گروه پژوهشی مدیریت حرفه ای، انجمن جبهه طبیعت، موسسات اوامر یاسین و علم موفقیت - م
^{۴۹} مستندات این احضارها به رؤیت انجمن دفاع از اقلیتهای مذهبی و جنبش های معنوی رسیده است. - م

او شفاهاً و بدون ابلاغ قانونی اعلام شده که ارتباط شما غیر قانونی است و اجازه همکاری با این موسسات را ندارید! این در حالی است که طبق اصل نهم قانون اساسی «... هیچ مقامی حق ندارد به اسم حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند» و بنا بر نص صریح اصل ۲۶ قانون اساسی ایران «احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.»

نهادهای جهانی قائل به آزادی اجتماعی اند اما این چگونه "حق امنیت اجتماعی" است که دایره مذاهب را مجاز می داند تا این جمعیت بزرگ فرهنگی را وادار به توقف فعالیت و قطع ارتباط کند؟

ماده ۲۶

« ۱- هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند شود ... ۲- آموزش و پرورش باید به طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به حد اکمل رشد آن برساند و احترام به حقوق و آزادی های بشری را تقویت کند... »

ماده ۲۷

« ۱- هر شخصی حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع، شرکت کند و از فنون و هنرها متمتع گردد و در پیشرفت علمی و فواید آن سهیم باشد. ۲- هرکس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار گردد.»

تعلیم و تعلم، و برخوردارى از امکان رشد و تعالى روحى، حق هر انسانى است که در هيچ مقطعى از عمر بشرى محدود و متوقف نمى شود، چنانکه در کلام بزرگان نیز آمده «ز گهواره تا گور دانش بجوى». اما يکى از اصلى ترين موارد نقض حقوق بشر در

این پرونده ممنوعیتی است که نسبت به ارائه اندیشه های استاد ایلیا اعمال شده است.

به گواهی تعداد بیشماری از شاگردان ایلیا «میم»، این تعلیم متحول کننده زندگی انسانهاست؛ اما آثار و کتب او و شاگردانش اجازه چاپ ندارند. آموزشها و جلسات سخنرانی متوقف شده و هیچیک از مدرسانی که توسط ایلیا آموزش دیده اند حق حضور در مجامع و انتشار دیدگاههای خود را ندارند. آنها در ممنوعیت قلم و تصویر به سر می برند چون «ابا» خود را قیم عقیده و اندیشه ملت ایران می داند.

در کدام آیین و مسلک به خشک اندیشان و دکان داران مذهب طالبانی این گونه اجازه داده می شود تا بشریت را از حرکت به سوی تعالی و کمال باز دارند و همه را ملزم به خریداری کالای تقلبی خود نمایند؟

"آیا هر کس زندگی را چون طالبان مذهبی سیاه و سفید ندید مستحق حصر اندیشه و انزوا و مجازات است؟ آیا همه مردم جهان جهنمی اند چون مثل «ابا» و هم کیشانش فکر نمی کنند؟ آیا هر کس خریدار اسلام تقلبی «ابا» نبود خائن، توطئه گر، فاسد الاخلاق، دست نشانده استکبار و عصاره بدی هاست؟ جاسوس است، فراماسونر است و جزو فرقه های جدید نفاق؟ و آنطور که

بخش برخورد با ادیان سالهاست می گوید و ماههاست بر آن تاکید دارد شیطان بزرگ و شیطان اعظم است؟"^{۵۰}
هم اینک بیش از ۴۰۰۰ صفحه متن مکتوب، در قالب ۴۰ اثر بی نظیر از ایلیا «میم» در توقیف دایره مذاهب است و اجازه انتشار به آن داده نمی شود.^{۵۱} تنها اثر منتشر شده مربوط به سخنرانی

^{۵۰} ر. ک به مقاله "نقد افتاب و سایه ها" - مندرج در وبلاگ معلم حق -
سایت بلاگفا)

moalemehagh.blogfa.com

^{۵۱} برخی از آثار مکتوب و منتشر نشده استاد ایلیا «میم» که در توقیف دایره مذاهب است عبارتند از:

۱. مکتبهای باطنی و باطن مکتوبات
۲. تفکر متعالی و روش های تفکر خلاق (شامل آموزش روش های سی و شش گانه تفکر)
۳. فرمول های تفکری و نرم افزارهای ذهنی (شامل بیش از هفتصد فرمول ذهنی برای اجرای امور مختلف)
۴. هنر مبارزه متعالی
۵. نظریه های جهانی و معنویت مدرن
۶. الگوهای بنیادی زندگی
۷. شهودهای راستین و برداشتهای ناراستین
۸. تفسیر باطنی آیات ظاهری
۹. تفسیر آیات کلیدی کتاب مقدس
۱۰. احیاگری و القاء روح
- ۱۱.
- ۱۲.

های ۲۳ سالگی (مربوط به یازده سال پیش) او می باشد که آن هم اکنون جزو موارد اتهامی ایشان توسط دایره مذاهب بر شمرده شده.

-
۱۳. قضاوت باطنی و عدالت حقیقی
 ۱۴. فراهنر روح زایی
 ۱۵. عملیات انرژی زایی و تئوری های عملیات
 ۱۶. شیوه کهن ارتباط با ارواح
 ۱۷. نگاه خلاق، اندیشه سازنده و کلام آفریننده
 ۱۸. ناجیان جهان و حرکت دهندگان
 ۱۹. بینش های بنیادی و اندیشه های زندگی ساز
 ۲۰. دانش کهن نشانه شناسی (خواندن نشانه های جهان پیرامون)
 ۲۱. معنای صداهای طبیعت و آوازهای پرندگان
 ۲۲. آموزش مشاوره تحول زا
 ۲۳. روش های آینده پژوهی
 ۲۴. آینده جهان، تمدن ها و ادیان
 ۲۵. مکاتبات (نامه ها، سوالات، پیام ها و توصیه هایی به رهبران جهان و دانشمندان و علماء)
 ۳۴. علم اسماء و کلیدهای نورانی
 ۳۵. طریقه صاد میم (روش های صید نورهای و انرژی ها و مهار روحی)
 ۳۶. فرقه و ضد فرقه (با موضوع فرقه شناسی و تحلیل و مهار فرقه ها)
 ۳۷. ...

اعضای انجمن حرفه ای متفکران و محققان که از یکی از مجموعه های فرهنگی- آموزشی جمعیت ال یاسین است در نامه ای خطاب به رهبر ایران می نویسند : «... سالهاست که ما به مدیران دولتی و غیردولتی آموزش تفکر و مدیریت می دهیم و از این راه کسب درآمد می کنیم. کار ما قانونی است. انجمن متفکران و محققان ایران، پژوهشگاههای تفکر و مدیریت و اتاقهای متعدد فکر و بنیادهای اندیشه از متدهای کاری ماست اما به همه جا نامه زدند که قراردادهایشان را با ما منتفی کنند. کلاسهای آموزش تفکر ما را تعطیل کردند. نشریات تفکری ما را بستند. معلم ما را که هزاران متفکر، محقق، نویسنده و مدرسان تفکر آموزش داده بود، برای مسئولین و روحانیت، در حد یک مدعی تشبیه و تقبیح کردند. همه راهها را بر ما بسته اند.»^{۵۲}

این محدودیتها در حالی اعمال می شود که بنابر گزارشات غیررسمی مطلع شدیم بعضی از مطالب تعلیمی ایلیا «میم» در اختیار عوامل فرهنگی «ابا» قرار گرفته تا آنها را به نام خود منتشر و یا محتوایش را در سخنرانی هایشان مطرح کنند! آیا این چیزی جز مصداق بارز یک دزدی فرهنگی هست؟

^{۵۲} برگرفته از نامه انجمن حرفه ای متفکران و محققان

از طرفی، بررسی پرونده کاری استاد ایلیا نشان می دهد که تا کنون بیش از یکصد و هشتاد اثر تحقیقی تحت برنامه ریزی و راهبرد مستقیم و غیر مستقیم او به انجام رسیده که عمده آنها امکان اخذ مجوز و انتشار را پیدا نکرده اند؛ تنها به این دلیل که اسم ایلیا «میم» بر آنها هست. بخشی از این نتایج هم که پیش از این منتشر شده اند اینک با محدودیت تجدید چاپ مواجه شده اند.^{۵۳}

^{۵۳} این به طنزی مضحک شبیه است که برخی از کتب مذکور همچون مجموعه چهار جلدی احادیث قدسی با عنوان "صدای او" با شرط حذف اسم ایلیا از کتاب، اجازه چاپ مجدد گرفته اند! (م)

در بندهای ۲۸ و ۲۹ اعلامیه حقوق بشر آمده:

« هر شخصی حق دارد خواستار برقراری نظمی در عرصه اجتماعی و بین المللی باشد که حقوق و آزادی‌های ذکر شده در این اعلامیه را، به تمامی تأمین و عملی سازد.»^{۵۴}

«هرکس در اعمال حقوق و بهره‌گیری از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی قانونی است که صرفاً به منظور شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات عادلانه اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در جامعه‌ای دموکراتیک وضع شده‌اند.»^{۵۵}

جالب توجه است که بسیاری از اقدامات دایره مذاهب (ابا) هم با همین توجیه انجام می‌شود. به عبارت بهتر، دلیل ظاهری این نوع برخوردها، حفظ امنیت ملی است چنانکه اکثر افراد بازداشت شده نیز در کلکسیون اتهامات خود، اتهام اقدام علیه امنیت ملی را یدک می‌کشند.

^{۵۴} ماده ۲۸ از اعلامیه جهانی حقوق بشر

^{۵۵} بند الف و ب از ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر

----- ضد بشر؛ دایره مذاهب -----

اما سوال اینجاست که اگر هزاران دانشجو، صدها هزار زن ، چندین هزار کارگر، چند هزار معلم، اعضای دویست هزار نفری جمعیت فرهنگی ال یاسین، سایر جمعیت‌های معنوی و اقلیتهای قومی و مذهبی ایران جزئی از این ملت نیستند پس چه کسانی در ایران ملت محسوب می شوند که برای حفظ امنیتشان این همه قانون شکنی و اعمال ضد بشری صورت می گیرد؟

در خاتمه، متن نامه های ارسال شده از سوی نمایندگان جمعیت ال یاسین به رهبر ایران را به عنوان بخش کوچکی از مستندات این مجموعه ارائه می کنیم:

**نامه ارسالی جمعی از نمایندگان جمعیت ال یاسین به
رهبر جمهوری اسلامی ایران
(تابستان ۱۳۸۷)**

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام علیکم. ما مسلمانیم و خود را بسیار مسلمان تر از مأموران اداره بررسی ادیان و مذاهب می دانیم. پدران و مادران ما مسلمان اند. درباره بسیاری از مسائل اسلامی تحقیق و تفکر کرده و می کنیم. اما پیش از این ما تنها در شناسنامه هایمان مسلمان بودیم. نه تنها ما بلکه دهها هزار نفر از جوانان این سرزمین هم وضع ما را داشتند. تا آنکه

----- ضد بشر؛ دایره مذاهب -----

با معلم خود، ایلیا رام الله آشنا شدیم. کلام قدرتمند و نورانی او و تعلیمات اثرگذار و ماندگار او دوباره خدا را به زندگی ما وارد کرد... او تفکر را به ما آموخت. تحقیق و سخن گفتن را به ما یاد داد. هویت تسلیم و خدمتگزاری را در ما نهاد. او ما را از گمراهی ها و تاریکی های مرگبار نجات داد. نام خدا را زمزمه لبانمان کرد و به روح مان روشنایی بخشید. دهها هزار نفر حاضرند برای جزء جزء این کلمات، شهادت دهند. با جسم و جان و روح مان شهادت می دهیم. در این دنیا و در روز قیامت شهادت می دهیم که او همه ما را از مرگ درونی، از مرگ بی خدایی، از مرگ تاریکی، از مرگ بی هدفی و از مرگ بی هویتی نجات داد. زندگی دوباره بخشید. بیش از سه سال است که تخریب و ترور شخصیت او از طریق رسانه ها شدت گرفته است. دایره مذاهب مدتهاست که تلاش می کند ما را قانع کند او فردی خطرناک، بی خدا و فاسد است. دوستان ما را احضار می کنند و به آنها می گویند که بروند

به بقیه این چیزها را بگویند. اگر چه به خواست خداوند همه این تلاش ها نتایج کاملاً معکوس داده است. بر علیه او فیلم سازی می کنند. شایعه درست می کنند. ما را تهدید به زندان و اعدام کرده اند تا بلکه رابطه خود را با او قطع کنیم. مکرراً به ما می گویند مکالمات خصوصی و خانوادگی شما را ضبط کرده ایم، از اتاق های خواب شما فیلم برداشته ایم و اگر همراهی نکنید در سطح جامعه پخش می کنیم. از ما می خواهند بر علیه او جاسوسی کنیم، شهادت دروغ بدهیم و به او اتهام بزنیم. می گویند او دیوانه است. چطور یک دیوانه می تواند به مدت بیست سال به دهها هزار سوال مردم پاسخ هایی خلاق، استثنایی و بدیع بدهد و هزاران متفکر و مدرس آموزش دهد. بیش از سی و نه اثر از خود بجا بگذارد که با آثار مشابه غیرقابل مقایسه اند. می گویند او شیطان است. دیوانه است. دروغگوست. ساحر و جادوگر است... مگر جز این است که خالق را از مخلوق اش و درخت را از میوه اش می

شناسند. پس به محصولات بیشمار او نگاه کنید که از سن نوجوانی تابحال چه مزرعه بزرگی از انسانهای خلاق و متفکر و محقق بوجود آورده است.

می گویند شما از زندگی او بی خبر هستید. بعضی از ما و دوستان ما بیش از بیست سال است که در جزئی ترین و خصوصی ترین قسمتهای زندگی او حضور داریم. کسانی که خود را یاران وفادار او می دانند اتفاقاً همان کسانی اند که از همه جزئیات زندگی او با خبرند. کسی نیست که در جزئیات زندگی او باشد و مشتاق خدمتگزاری نباشد. اما این ناجوانمردان به اعتبار چند سند جعلی که خودشان ساخته اند و شهادتهای دروغی که به اذعان شهادت دهندگان نادم، خودشان طراحی کرده اند، به اعتبار دروغ هایی که خودشان بافته اند و به قول خودشان مسئولین را توجیه و وحشت زده کرده اند، به اعتبار اینکه نگذاشته و نمی گذارند که کسی حرفهای ما را بشنود و مستندات ما را ببیند و شواهد ما را مشاهده کند، به اعتبار برچسب

ضاله، فاسد، منحرف، فرقه و غیر آن که به ما مسلمانان شیعه زده اند، در این جوسازی پر از دروغ هر طور که می خواهند جولان می دهند و کسی از ترس آنکه متهم شود جرأت ندارد به ما گوش کند، به داد ما توجه کند و کلام ما را هم بشنود... جمعیت شاگردان و دوستداران استاد به شعبه های مختلف تقسیم شده است. بیش از شصت و پنج گروه آشکار و مخفی (بعد از تخریب های تبلیغاتی و گسترده دایره مذاهب) در حمایت از استاد به وجود آمده است. دهها کتاب درباره استاد و در حمایت از او نوشته شده و بیش از صد و سی قطعه فیلم کوتاه درباره او ساخته شده. به دلیل همین برخوردهای وحشت انگیز و اربابی که به نام دین و اسلام انجام می شود، بعضی از دوستان ما در خارج از کشور به دین مسیحیت متمایل شده اند. آنها را به سمت لابی های بهایی و مسیحی و یهودی دارند هدایت می کنند. و دایره مذاهب به ما می گویند از این اطلاعات با احدی صحبت نکنیم. آنها حتی نمی دانند ما چند نفر

هستیم. اما ما آماده ایم همه اطلاعات خود را با اطمینان خاطر بدهیم. ما در ایران و در کشورهای دیگر بیش از صد و شصت هزار نفریم. اینها به ما می گویند شصت هزار نفرید بعد می گویند ده هزار نفر بعد می گویند دویست هزار نفر.

چرا با معلم محبوب ما تا به این حد ناجوانمردانه، فریبکارانه و ظالمانه رفتار کردند؟ چرا به بدترین شکل ممکن حرمت شکنی کردند، توهین و فحاشی کردند، تهمت زدند و برعلیه او جوسازی کردند و دروغ گفتند؟ چرا به دهها هزار نفر از دوستداران استاد اعلام شد که به دستور شما باید از استاد فیلم تهیه شود و امروز همه پیروان او در سراسر جهان از این موضوع در بهت و بدبینی فرو رفته اند؟ چرا امروز در اینترنت بیش از هر کسی در جهان از ایلیا «میم» حمایت می شود؟ دو تا سه هزار سایت و وبلاگ.

اموال استاد را به نام اسلام و حکومت اسلامی توقیف کردند و امروز در سراسر جهان، پیروان او در حال جمع آوری پول برای حمایت از ایشانند.

آنقدر ما را تهدید کرده اند که بعضی ها از وحشت با خود سیانور حمل می کنند و عمل آنها ناخواسته به انحراف بعضی از گروههای انحرافی شبیه شده است. آنقدر بر اتاق های خواب و مکالمات خصوصی و مسائل جنسی مردم تأکید کرده اند که بسیاری از شاگردان استاد جرأت ندارند به خانه هایشان بروند و در این خانه و آن خانه سرگردانند. ما به نمایندگی از دهها هزار تن از جوانان مسلمان و دهها انجمن و موسسه تفکری و تحقیقاتی این نامه را می نویسیم.

انتظار ما از شما این است که ما را در برابر این همه ظلم و بی عدالتی تنها نگذارید و از حق ما دفاع کنید.

«جمعی از نمایندگان جمعیت ال یاسین»

متن نامه انجمن حرفه ای متفکران و محققان به رهبر

جمهوری اسلامی ایران

(پاییز ۱۳۸۷)

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام علیکم. ما به شما نامه نوشتیم و از شما تقاضا کردیم که امکان برخورداری ما را از درس های معلم مان ممکن سازید. از شما درخواست کردیم که اجازه ندهید در باره ایشان دروغ سازی و جعل و تحریف کنند. اجازه ندهید که بر اساس شهادتهای دروغی که خود شهادت دهندگان می گویند دروغ است و از سر ترس و تطمیع بوده معلم ما را در اسارت هر چه بیشتر قرار دهند. بعد از نامه ما به شما فشارها صدها مرتبه بیشتر شد. صدا و سیما هر شب بر علیه ما با ذکر مشخصات برنامه می گذارد. معلم ما را تحت فشار بیشتر گذاشتند. وعده دادند که قرار است ما را به جرم حمایت از ایشان و اعتقاداتمان دستگیر کنند. و ما

ماههاست که منتظر زندانیم و برخی از ما وصیتهای خود را نوشته ایم. شدت تقاضای ادارهٔ ادیان از مردم برای شکایت خصوصی و ساختگی از استاد علیرغم آنکه در سالهای اخیر بی نتیجه بوده اما امروز بالا گرفته است. آنها بر علیه معلم ما بولتن هایی سراسر دروغ و تحریف را که دروغ بودن آنها با مدارک و مستندات ما به سادگی قابل اثبات است، تنظیم کرده اند. از استاد فیلم های مختلفی مونتاژ کرده اند، از کسانی که در سالهای گذشته در بین ما و حتی در سطح جامعه معروف به دروغ گویی و ضعیف النفسی بوده اند، برای تخریب های تلویزیونی استفاده کرده اند. پیش هر کسی می رویم می بینیم چیزهایی می گوید که واقعاً و حقیقتاً وجود خارجی ندارد بلکه توهمی است که با توجیحات دایره مذاهب برای آنها به تصویر کشیده شده. همه با زبانی مشترک ما را با فرقان و وهابیان مقایسه می کنند. هیچ کس به سوالات ما جواب نمی دهد. می گویند او را رها کنید و این تنها راه شماست. می گوییم اگر به

----- ضد بشر؛ دایره مذاهب -----

سوالات ما جواب دهید، باشد اما در همه این سالها و امسال هم هیچکس به ما جوابی نمی دهد.

می گویند منحرفیم اما هیچکس هنوز انحراف ما را به ما نگفته است. بعد می گویند شما پاک ترین گروهی هستید که ما تا بحال در ایران داشته ایم. می گویند فرقه هستید اما چطور دهها تشکل مستقل و پرمحصول غیردولتی، موسسه فرهنگی، انجمن زیست محیطی و نشریه که از دیدگاه کارشناسی در سطح ممتاز عمل کرده اند، می توانند فرقه باشند؟ ما از نظر علمی و تجربی همه مؤلفه های ضدفرقه را داریم. چطور می توانیم یک فرقه باشیم؟ با کدام مناسک دینی، با کدام اعتقاد مجزا ، با کدام نشانه علمی و کارشناسی، با کدام هویت فرقه ای؟ کدام فرقه بر پایه تفکر و تحقیق استوار است؟ اما همه تشکل های ما بر پایه تفکر و تحقیق اند و بیش از دویست پروژه تحقیقاتی و مطالعاتی مبنای کار ماست. کدام فرقه فرهنگ سوال سازی و تحقیق علمی را در جامعه گسترش می دهد؟

چرا باید معلم ما را به بدترین و بی سابقه ترین شکل ممکن با دروغ ترین و تحریف شده ترین مطالب تخریب کنند؟ چرا صدا و سیما هر شب در بارهٔ ایشان برنامه دارد و در هر برنامه مستقیم و غیرمستقیم به ایشان اشاره می شود اما او حق ندارد در تلویزیون یا رسانه ها از خود دفاع کند؟

می گویند مردم به استاد هدیه می دهند اما نمی گویند که ایشان حتی یک اتاق شخصی هم ندارد و بیشتر این هدایا هرگز از جانب ایشان پذیرفته نشده و اساساً ایشان هرگز هدیه ای دریافت نکرده اند.

چرا می خواهند ما را به جرم اعتقادمان به دانایی و توانمندی او به زندان ببرند؟ گفتند پروندهٔ استاد شما ختم شده بود اما چون به رهبری نامه نوشتید، بزودی استاد را در زندان خواهید دید. چرا؟ آیا عدالت اسلامی و علوی این است که مردم را تحت فشار بگذارند، بترسانند یا تطمیع کنند تا بلکه بیایند و برعلیه او شکایت کنند؟ آیا

عدالت علی با طرح شاکی سازی خصوصی، جرم سازی و تحریف اسناد توافق دارد؟ آیا عدالت علی و عدالت اسلامی با قضاوت یک طرفه، با محکوم سازی بدون دفاع همخوانی دارد؟ همین حالا افراد زیادی حاضرند برای شما شهادت بدهند که چگونه از آنها با فشار و تهدید خواسته شده تا بر علیه معلم ما شهادت دروغ بدهند و در دادگاه طرح شکایت خصوصی کنند.

آیا حکومت اسلامی اجازه می دهد که عضوی از آن را اینچنین ناجوانمردانه، نابرابر و ظالمانه تخریب و بی آبرو کنند؟ اینها می گویند ما چیزهایی می دانیم که شما نمی دانید. آنچه آنها در باره معلم ما جمع آوری و جعل و مونتاژ کرده اند ما اینها را دوازده سال قبل می دانستیم. چرا رو در رو و مردانه و سند به سند حرف نمی زنند. همه چیز یا یک طرفه است یا پشت سر یا توأم با ابهام زایی های جهت دهنده و بدبین کننده.

اینها می گویند که استاد کافر است. اگر هست چطور دهها هزار نفر را به خدا مؤمن کرده؟ آیا ایمان و خداپرستی و توحید این همه آدم دروغ است؟ اگر راست است که محصولات و نشانه های آن هم از راستی آن خبر می دهند، پس آبروی مومن و خانه کعبه چه می شود؟ او که به همه ما این ایمان و خداپرستی و توحید دوباره را بخشید، چرا با چنین دروغ ها و تحریف هایی، با چنین حجم گسترده ای بی آبرو و تخریب می شود؟ اگر استاد کافر است چگونه تا این حد مورد توجه جوانانی است که خدا و ایمان به خدا را در گردابها و فرهنگ مسموم و مهاجم گم کرده اند؟ بعضی از شاگردان استاد تا دیروز گم شده در پوچ گرایی یا مشغول به برخی از فعالیتهای مخرب مانند مصرف مواد مخدر و مانند آن بودند. چطور است که در این سالها هم و غم آنها تحقیق و تفکر و تألیف است؟ بارها به ما گفتند شما خیلی خوب هستید اما او خطرناک و عنصر نامطلوب است. اگر ریشه درخت

بیمار یا مرده باشد کل درخت و کل میوه ها اینچنین هستند. چطور ممکن است رأس منحرف باشد و بدنه به قول اینها خوب و مطلوب.

اگر او ناحق است و ما ناحق هستیم، چرا این آقایان آنطور که دهها مرتبه به آنها گفتیم یک جلسه صریح و شفاف نمی گذارند تا اگر حق با آنها بود ما همه حرفهای آنها را قبول کنیم؟ روش آنها فقط مونتاژ، تحریف، گزینش، حذف ابتدا و انتهای مطالب و توجیهاات ترساننده است. بعد از نامه ما به شما که از طرف همه جمعیت ال یاسین، از طرف دهها هزار نفر از اعضاء ال یاسین بود، آنها به شش نفر از حاضران در دوره های سخنرانی استاد که (از میان دهها هزار نفر) به بدنامی معروفند، خواستند برای مسئولین نامه بنویسند و در آن نسبت به استاد بدگویی کنند و از این طریق حرف ما را خفه و خنثی کنند. سالهاست که ما به مدیران دولتی و غیردولتی آموزش تفکر و مدیریت می دهیم و از این راه کسب درآمد می کنیم. کار ما قانونی

است. انجمن متفکران و محققان ایران، پژوهشگاههای تفکر و مدیریت و اتاقهای متعدد فکر و بنیادهای اندیشه از متدهای کاری ماست اما به همه جا نامه زدند که قراردادهایشان را با ما متفی کنند. کلاسهای آموزش تفکر ما را تعطیل کردند. نشریات تفکری ما را بستند. معلم ما را که هزاران متفکر، محقق، نویسنده و مدرسان تفکر آموزش داده بود، برای مسئولین و روحانیت، در حد یک مدعی، تشبیه و تقبیح کردند. همه راهها را بر ما بسته اند.

مگر ما چکار کردیم؟ چرا با ما اینطور رفتار می کنند؟ ما اهل تفکریم و در این زمینه هزاران ساعت کار و تحقیق و تدریس کرده ایم. چرا با چند سوال و جواب همه ابهامات را حل نمی کنند؟ چرا همه چیز تا این حد ظالمانه و تحریف شده است؟

اگر درخواست ما از شما به فشار بیشتر منجر شود ما به چه کسی می توانیم پناهنده شویم؟ این کلمات از قلب ما

----- ضد بشر؛ دایره مذاهب -----

بیرون می آید نه از تدبیر و تعقل ما. به داد ما برسید از این
همه ظلم و دروغ و تحریف...

انجمن متفکران و محققان

به نمایندگی از جمعیت ال یاسین

«سرزمین من»

اینجا اندیشیدن گناهی نابخشدنی است

قلم چوبه دار می شود و تار اندیشه، طنابی برای قطع نفس

اینجا حق خواهی را مرگ خواهی ترجمه می کنند

قیمت آزادی، مرگ است؛ برای آزاد بودن، به جهان دیگر

باید رفت

اینجا دگراندیشان دشمن اند و اندیشه مداران، شیطان

اینجا دین آزادکننده را اسباب اسارت کرده اند

به نام دین، و به کام خود، به خاک می اندازند و در خاک می

کنند

اینجا سرزمین من است، چون بهشت موعود

----- ضد بشر؛ دایره مذاهب -----

و اندک جاهلانی که خود را پاسدار بهشت و سرباز خدا
نامیده اند، آن را جهنمی جانسوز کرده اند

اینجا سرزمین من است و من با قلمی در دست، اندیشه ای در
ذهن و کلامی بر زبان

روزی در این هوا، آزاد نفس خواهم کشید، آزاد خواهم
زیست، آزاد خواهم مرد

اینجا سرزمین من است...